



تهدید هژمون غرب
هشدارهای هسته‌ای و نظامی پوتین



در هاله‌ای از فروتنی
کامران فانی در خانه سالمندان



آمان از فرسودگی
انفجار مرگبار در آزمایشگاه دانشگاه تهران



جدال عقل و شبه‌علم

منظره محمد عطریان‌فر و حسین‌الله کرم که بازخوردهای فراوانی در فضای مجازی داشت



گزارش روز

سیدحسین مرعشی
در جمع اصلاح‌طلبان کرمان:

**نفع نظام در تعادل میان
اصلاح‌طلبان و اصولگرایان است**



گروه سیاسی: سیدحسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران در نشست فعالان اصلاح‌طلب استان کرمان بر لزوم بازسازی پایگاه‌های اجتماعی و تقویت پیوند با مردم برای پیشبرد اهداف کشور تأکید کرد و گفت: تعادل میان اصلاح‌طلبان و اصولگرایان به نفع نظام جمهوری اسلامی است.

نشست روسا و اعضای ستادهای انتخاباتی دکتر پزشکیان و فعالان اصلاح‌طلب استان کرمان با حضور مرعشی، حمیدرضا جلالی‌پور، محمدعلی طالبی استاندار کرمان و شماری از فعالان سیاسی برگزار شد. مرعشی در این نشست با تحلیل فضای سیاسی کشور و استان بر ضرورت تقویت توانمندی اصلاح‌طلبان برای ایفای نقش موثر در آینده کشور تأکید کرد. او گفت: «همه باید تلاش کنیم، پایگاه اجتماعی خود را تقویت و این نقش را بازسازی کنیم چراکه این کار به نفع استان و کشور است».

مرعشی افزود: «تعادل بین اصلاح‌طلبان و اصولگرایان در استان به نفع نظام جمهوری اسلامی است و حرف‌های من به این معنا نیست که اگر دوستان ما باشند، خیلی خوب و رقیب ما باشد، خیلی بد است.» وی با مرور خاطرات دوران مسئولیت خود، کاهش مشارکت مردم و فاصله گرفتن پایگاه‌های اجتماعی از سیاست را یادآور شد و تأکید کرد که تقویت جریان‌های سیاسی مختلف می‌تواند به مدیریت بهتر استان کمک کند.

دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی با اشاره به عملکرد دولت دکتر پزشکیان، گفت: «اول باید قدر بدانیم، امروز این دولت از هر دولتی که ممکن بود مستقر شود برای کشور و ما مفیدتر است. باید ضعف‌های خود را جبران کنیم و با مردم پیوندهایمان را تقویت کنیم، مدیران لایق را حمایت کرده و مشکلات مردم را رفع کنیم».

مرعشی در بخش دیگری از سخنان خود به ضرورت تقویت نظام حزبی در کشور پرداخت و گفت: «تمرکز من در سطح ملی بر این است که نظام جمهوری اسلامی چاره‌ای ندارد جز اینکه مسأله تحزب را جدی‌تر بگیرد. متأسفانه تجربه حزبی موفق در ایران کم است.» او با اشاره به تجربه‌های تاریخی، حزب توسعه و حزب جمهوری اسلامی را مثال زد و یادآور شد که فقدان احزاب برنامه‌محور و تربیت‌کننده نیرو باعث شده امروز دولت‌ها بدون برنامه مشخص اداره شوند. وی ادامه داد: «در ایران بیش از صد حزب داریم اما براساس چهار نحله فکری اصلی به چند حزب نیرومند نیاز داریم که نقش اصلی را در برنامه‌ریزی و اداره کشور ایفا کنند. بدون برنامه مدون میان‌مدت و بلندمدت و تربیت کادر، اداره کشور سخت است.» مرعشی با اشاره به نتایج انتخابات در استان کرمان، گفت: «وقتی توانستیم بیش از ۳۴ یا ۳۵ درصد آرا را جذب کنیم، نمی‌توانیم مدعی باشیم، در حالی که دولت بهترین استاندار را برای کرمان تعیین کرده است. باید ضعف‌های خود را بپذیریم، روابط با مردم را گسترش دهیم و با تدبیر، کرسی‌های از دست رفته را باز پس بگیریم».

وی تأکید کرد که این کار با تدریج و کشمکش ممکن نیست و افزود: «اگر سیاستمدار و جریان‌ساز هستید، هنر شما این است که با استفاده از ظرفیت‌های موجود، اختلافات را به حداقل برسانید، نسبت به همدیگر گذشت داشته و متحد باشید تا کارهای استان پیش رود».

دعوی قلمرو

درحالی که تورم، پیوسته در حال اوج‌گیری است و نرخ ارز، قیمت بی‌سابقه‌ای را تجربه می‌کند اختلاف میان **محمدرضا فرزین**، رئیس کل بانک مرکزی و **سیدعلی مدنی‌زاده**، وزیر اقتصاد نگران‌کننده شده است. سازندگی به واکاوی دلایل و نتایج این تقابل پرداخته است

جمشید پیش‌قدم

گروه اقتصاد

داشتند و نه دوستی دیرینه‌ای؛ تنها یک هدف مشترک ظاهری برای سامان دادن به اقتصاد پرتلاطم کشور.

اختلاف جدی این دو از یک غیبت ساده شروع شد. در جلسه رأی اعتماد وزیر پیشنهادی امور اقتصادی و دارایی در ۲۶ خرداد ۱۴۰۴ سجاد افشار، معاون حقوقی

و امور مجلس بانک مرکزی غایب بود. این غیبت، که شاید در نگاه اول بی‌اهمیت به نظر می‌رسید، برای مدنی‌زاده نشانه‌ای بود از بی‌نظمی یا شاید حتی پیامی عمدی از سوی رئیس کل بانک مرکزی. برخی نمایندگان مجلس این غیبت را نشانه‌ای از مخالفت محمدرضا فرزین با سیدعلی

مدنی‌زاده دیدند و حتی به روی رئیس کل بانک مرکزی هم آوردند اما محمدرضا فرزین، غیبت معاون حقوقی خود را اتفاقی و بدون دلیل خاص عنوان کرد. با این حال سیدعلی مدنی‌زاده که تجربه زیادی در امور اجرایی ندارد نسبت به این موضوع واکنش نشان داد. او که در دولت خود را تنها می‌دید این موضوع را در جمع‌های خصوصی مطرح کرد و با کنایه گفت: «اگر بانک مرکزی نمی‌تواند حتی حضور معاونش را در چنین جلسه‌ای تضمین کند، چگونه می‌توان به هماهنگی‌اش در سیاست‌های کلان اقتصادی اعتماد کرد؟»

| ادامه در صفحه ۶

سازندگ





سال هشتم شماره ۲۰۷۷
شنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۴



بررسی رویدادهای سیاسی



دیدگاه: یادداشت سیاسی

شفاف باشیم

چرا گفت‌وگوی صریح با مردم
ضرورتی برای عبور از شرایط سخت است؟



عاطفه شمس

گروه سیاسی

به زعم اغلب کارشناسان، یکی از مشکلات اصلی کشور، نبود توضیحات روشن درباره مسائل مهم کشور از سوی مسئولان است. به این معنا که تصمیم‌هایی که زندگی روزمره مردم را تغییر می‌دهد، اغلب بدون توضیح کافی درباره چرایی و پیامدهایش گرفته و اجرا می‌شود. روندی که در بلندمدت باعث فرسایش اعتماد اجتماعی شده و فاصله میان حاکمیت و مردم را افزایش داده است. در شرایط فعلی که ایران با مجموعه‌ای از چالش‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی روبه‌روست، بازگشت به اصل گفت‌وگو با مردم می‌تواند یکی از کلیدواژه‌های مهم برای عبور از این وضعیت باشد. گفت‌وگویی که می‌تواند، شکاف‌های بی‌اعتمادی را کاهش داده و زمینه‌ساز تصمیم‌های بزرگ ملی شود. جامعه امروز ایران با دسترسی گسترده به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، بیش از گذشته به اطلاعات نیاز دارد. در چنین فضایی گفت‌وگوی مستقیم مسئولان با مردم بهترین راه برای مقابله با شایعات و اخبار نادرست است. از سوی دیگر، نسل جوان که آینده کشور در دست اوست بیش از هر زمان دیگری خواهان مشارکت در تصمیم‌هاست. این نسل با زبان سادتر و شفاف‌تر قانع می‌شود و اگر احساس کند، صدایش شنیده نمی‌شود ممکن است نسبت به آینده ناامید شود. همین موضوع نشان می‌دهد که گفت‌وگو با مردم فقط یک شعار یا ابزار سیاسی نیست بلکه ضرورتی برای تداوم همراهی اجتماعی و مسیری برای جلب مشارکت نسل‌های تازه است. نگاهی به شرایط اقتصاد نیز مؤید همین نکته است. تورم، فشار بر معیشت، مشکلات ارزی و محدودیت‌های تجاری، همه و همه واقعیت‌هایی هستند که مردم هر روز با آنها زندگی می‌کنند. در چنین شرایطی، طبیعی است که جامعه به جای نظاره جدال‌های سیاسی مداوم، بخواهد بداند چرا این وضعیت شکل گرفته و چه راهی برای بهبود آن وجود دارد. پنهان‌کاری یا ارائه روایت‌های کلی فقط به افزایش نارضایتی و ناامیدی می‌انجامد. تجربه کشورهای مختلف نیز نشان داده که در دوره‌های بحرانی، شفافیت و گفت‌وگو با مردم بهترین راه برای عبور از مشکلات است. نمونه بارز این موضوع، تجربه ژاپن پس از جنگ جهانی دوم است. ژاپن در شرایطی بسیار دشوارتر از ایران امروز قرار داشت و با بحران‌هایی مثل شکست نظامی، اشغال کشور، تخریب زیرساخت‌ها و بحران اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کرد. با این حال آنچه مسیر بازسازی این کشور را هموار کرد فقط کمک‌های خارجی یا ظرفیت‌های صنعتی نبود بلکه گفت‌وگوی مداوم و صریح دولت با مردم، مهم‌ترین نقش را داشت. در ژاپن، مفاهیمی مانند سازندگی با مقاومت صرفاً به‌عنوان شعار مطرح نمی‌شد بلکه با مثال‌های عینی و ملموس برای مردم توضیح داده می‌شد. شهروندان دقیقاً می‌دانستند چرا باید کمربندها را محکم ببندند و سختی‌ها را تحمل کنند. همین شفافیت هم پایه‌ای برای شکل‌گیری اعتماد و همراهی اجتماعی شد. در نتیجه، دولت و ملت توانستند در یک مسیر مشترک حرکت کنند و ژاپن در کمتر از دو دهه به یکی از اقتصادهای بزرگ جهان بدل شد. علاوه بر ژاپن می‌توان به تجربه کشورهای دیگری هم اشاره کرد. برای مثال در دوران بحران مالی ۲۰۰۸ بسیاری از دولت‌ها در اروپا و آمریکا با مردم به صورت شفاف صحبت کردند. هرچند تصمیم‌های سختی مثل صرفه‌جویی و اصلاحات اقتصادی اجرا شد اما چون مردم از دلایل آن آگاه بودند، همراهی بیشتری نشان دادند. این نمونه‌ها نشان می‌دهد گفت‌وگو فقط یک انتخاب نیست بلکه ضرورتی حیاتی است. در ایران نیز می‌توان از این تجربه‌ها بهره گرفت. به بیان دیگر، گفت‌وگو با مردم به معنای تقسیم صادقانه بار مشکلات است. اکنون که کشور با چالش‌هایی مانند تحریم، محدودیت‌های مالی و ناآرامی‌های ساختاری مواجه است مهم‌ترین نیاز جامعه، دانستن است. اگر مردم بدانند چه مولعی وجود دارد و چه تصمیم‌هایی پیش‌روست، حتی اگر این تصمیم‌ها سخت و پرهزینه باشند، احتمال همراهی آنان بسیار بیشتر خواهد شد. همان‌طور که نمونه این همدلی را در جنگ ۱۲ روزه شاهد بودیم. همچنین نباید فراموش کرد که گفت‌وگو خود نوعی سرمایه‌گذاری برای آینده است. جامعه‌ای که امروز به صداقت مسئولان اعتماد کند، فردا هم در تصمیم‌های دشوارتر در کنار آنها خواهد بود. این اعتماد، سرمایه‌ای است که با هیچ بودجه‌ای قابل خریدن نیست و تنها با شفافیت و گفت‌وگوی مداوم ساخته می‌شود. بنابراین گفت‌وگو نباید یک تاکتیک مقطعی تلقی شود بلکه باید به یک راهبرد پایدار در حکمرانی تبدیل شود. راهبردی که آینده کشور را از مسیر شفافیت، اعتماد و همبستگی ملی تضمین می‌کند.

جدال عقل و شبه‌علم

گزارش مناظره محمد عطریان‌فر و حسین الله‌کرم که بازخوردهای فراوانی در فضای مجازی داشت

عطریان‌فر: اصلاحات و اندیشه سازندگی پرچمدار نخبه‌گرایی در کشور است

الله‌کرم: سخن گفتن از آگاهی دادن به مردم، پوپولیستی است

گروه سیاسی: مناظره اخیر میان محمد عطریان‌فر، عضو شورای مرکزی و معاون سیاسی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران و حسین الله‌کرم، کارشناس مسائل سیاسی در برنامه «رودرو» رسانه تصویری «آن» در حالی برگزار شد که از نخستین دقایق، نشانه‌های یک گفت‌وگوی پر تنش به چشم می‌خورد. در حالی که مجری مناظره تلاش داشت فضای بحث را به سمت بررسی کارشناسی شرایط کشور بعد از اسنپ‌بک و جایگاه نهادهای تصمیم‌گیر هدایت کند، پاسخ‌های تند الله‌کرم، مسیر گفت‌وگو را تغییر داد. او در ابتدای مناظره با حمله به گفتمان گفت‌وگو و آگاهی‌رسانی به مردم که عطریان‌فر بر آن تأکید دارد، رویکرد او را پوپولیستی توصیف کرد. الله‌کرم استدلال کرد که در مسائل کلان امنیت ملی، اطلاع‌رسانی به عامه می‌تواند به ضرر کشور تمام شده و تنها باعث سوءاستفاده دشمن شود. او در ادامه خود را فردی آکادمیک و عطریان‌فر را فاقد دانش لازم توصیف کرد. این تعبیر واکنش عطریان‌فر را برانگیخت. او الله‌کرم را به دلیل رفتار پر خاشاکرانه او، فاقد ادب گفت‌وگو دانست و تأکید کرد که «ساحت عقل، فراتر از علم است». بحث سپس به حوزه‌های دیگری چون مکانیسم ماشه، جایگاه مجلس، سرنوشت برجام و محمدجواد ظریف کشیده شد. عطریان‌فر در واکنش از برجام به عنوان یک تصمیم ملی و از ظریف به عنوان «سرباز خط مقدم» دفاع کرد، در حالی که الله‌کرم، برجام را «خسارت محض» دانست و خواستار محاکمه مسئولان نش شد.

مکانیسم ماشه و میراث برجام

بحث اصلی خیلی زود به مکانیسم ماشه کشیده شد. الله‌کرم برجام را «خسارت محض» توصیف کرد و گفت که این توافق نه‌تنها گری از مشکلات کشور باز نکرد بلکه با مکانیسم ماشه، دست دشمن را برای فشارهای جدید باز گذاشت. او تأکید کرد: «مسئولان این خسارت باید محاکمه شوند. نمی‌توان سرنوشت ملت را به کسانی سپرد که چنین لغزش بزرگی داشته‌اند». عطریان‌فر در پاسخ، تلاش کرد این نگاه را به چالش بکشد. او گفت: «برجام نه محصول اراده یک وزیر بود و نه تصمیم یک دولت. این توافق در شورای عالی امنیت ملی با حضور نمایندگان همه قوا و با اطلاع کامل رهبری، بررسی و تأیید شد. نمی‌توان امروز، همه مسئولیت‌ها را به گردن یک فرد یا یک تیم انداخت». او همچنین یادآور شد که در شرایط آن زمان، کشور نیازمند یک گشایش بین‌المللی بود و برجام توانست حداقل برای مدتی، بخشی از فشارها را بردارد. الله‌کرم اما این استدلال را نپذیرفت. او مدعی شد که هشدارهای رهبری درباره شروط و خطوط قرمز برجام نادیده گرفته شده و نتیجه آن، بازگشت تحریم‌ها و تشدید فشار اقتصادی بر مردم بوده است.

جایگاه مجلس؛ شفافیت یا نخبه‌گرایی؟

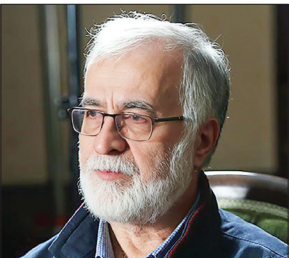
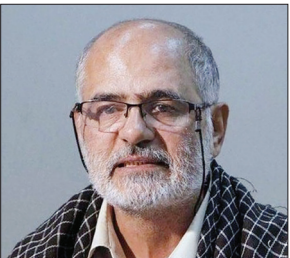
یکی دیگر از نقاط اوج مناظره، اختلاف نظر درباره جایگاه مجلس بود. عطریان‌فر تأکید داشت که در بحران‌های ملی، گاهی لازم است مجلس حذف شود و تصمیمات به صورت متمرکز و در سطح عالی گرفته شود، در برخی از کشورها هم این اتفاق می‌افتد. او گفت: «این به معنای حذف مجلس نیست بلکه اقتضای شرایط است. مجلس نهاد مردمی و مهمی است اما در بحران‌هایی که لحظه‌ای و حساس‌اند، تصمیم باید در شورای عالی امنیت

پارلمان

سازمان برنامه و بودجه اخیراً اعلام کرده که ۱۳۸ حکم برنامه هفتم غیرقابل اجرا هستند، موضوعی که باعث واکنش‌های جدی مجلس و رسانه‌ها شد. این اعلام غیرقابل اجرا بودن، از سوی منتقدان به عنوان فاصله شعار و عمل و حتی «عقب‌نشینی دولت» ارزیابی شده است، اگرچه دولتی‌ها آن را ناشی از مشکلات منابع مالی، ظرفیت محدود دستگاه‌ها و اولویت‌بندی عملیاتی دانسته‌اند.

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی طی روزهای اخیر بارها بر ضرورت اجرای کامل و دقیق برنامه هفتم توسعه از سوی دولت چهاردهم تأکید کرده است. او در صحن علنی مجلس گفت: «مجلس برنامه را نوشته و اکنون نوبت دولت است که آن را اجرا کند. کشور دیگر فرصت آزمون و خطا ندارد». قالیباف با یادآوری تجربه‌های گذشته، هشدار داد که هرگاه دولت‌ها از

ملی جمع‌بندی شود». الله‌کرم با لحنی انتقادی پاسخ داد: «شما از یک طرف می‌گویید، مردم باید در جریان باشند و از طرف دیگر می‌گویید، مجلس می‌تواند حذف شود. این تناقض است. شفافیت واقعی یعنی نمایندگان ملت در جریان همه امور باشند. اگر مجلس کم‌رنگ شود، مردم حذف شده‌اند». او عطریان‌فر را متهم کرد که عملاً از «نخبه‌گرایی» دفاع می‌کند و این را خلاف مردم‌سالاری دینی دانست.



مناظره در بخش دیگری، حول نام محمدجواد ظریف شدت گرفت. الله‌کرم، ظریف را به‌عنوان «مسبب اصلی ضعف‌های برجام» معرفی کرد و یادآور شد که تقدیر از او با اهدای سکه‌های طلا «نمادی از انحراف در قضاوت عمومی» بود. او با طعنه گفت: «کسانی که آن روز برای ظریف سکه گرفتند، امروز باید پاسخگوی خسارات وارده به ملت باشند». عطریان‌فر در پاسخ، ظریف را «سرباز خط مقدم مذاکره» نامید و گفت: «ظریف با تأیید رهبری و در چارچوب سیاست‌های کلان نظام، وارد میدان شد. او مأمور بود، نه مختار. اگر او باید محاکمه شود پس همه ما که در آن روند سهیم بودیم باید محاکمه شویم».

مجری برای آرام کردن فضا، بحث را به سمت موضوع آتش‌بس اخیر میان اسرائیل و ایران برد. الله‌کرم معتقد بود که این آتش‌بس ربطی به دیپلماسی ندارد. اگر قرار بود دیپلماسی به نتیجه برسد امروز هم باید شاهد امتیازدهی باشیم. آنچه دشمن را به عقب راند، قدرت موشکی ایران بود. عطریان‌فر در مقابل، استدلال کرد که این نگاه تک‌بعدی است: «آتش‌بس نتیجه مجموعه‌ای از عوامل بود؛ هم قدرت نظامی، هم انسجام ملی و هم ابتکارهای دیپلماتیک. سیاست خارجی اگر تنها به یک وجه متکی باشد به نتیجه نمی‌رسد». در ادامه، عطریان‌فر با بیان اینکه اصلاحات و اندیشه سازندگی پرچمدار نخبه‌گرایی در کشور است، همچنان بر ترکیب دیپلماسی و انسجام ملی تأکید می‌کرد و الله‌کرم با استناد به قدرت موشکی و مقاومت نتیجه می‌گرفت که همه دستاوردها حاصل ایستادگی نظامی بوده است.

مرز باریک میان اطلاع‌رسانی و پوپولیسم

یکی از موضوعاتی که بارها به بحث بازگشت، مساله شفافیت و آگاهی‌رسانی به مردم بود. عطریان‌فر بر این باور بود که پایداری اجتماعی و اعتماد عمومی بدون شفافیت حاصل نمی‌شود. او تأکید داشت: «مردم باید بدانند چه تصمیمی و بر چه مبنایی گرفته می‌شود. اگر آگاهی مردم نباشد، سرمایه اجتماعی فرو می‌ریزد». اما الله‌کرم این نگاه را غیرواقع‌بینانه و حتی خطرناک توصیف کرد. او گفت که شفافیت نباید بهانه‌ای برای پوپولیسم شود. نمی‌توان هر موضوع حساس امنیت ملی را روی میز عمومی گذاشت. برخی از این شعارها در ظاهر برای مردم است اما در

عمل، دست دشمن را برای فشار و عملیات روانی باز می‌کند. به اعتقاد او، اطلاع‌رسانی باید هدفمند و کنترل شده باشد، نه هیاهوی رسانه‌ای برای جلب رضایت افکار عمومی. این نقطه اختلاف، یکی از اصلی‌ترین شکاف‌های مناظره را شکل داد: عطریان‌فر بر مشارکت عمومی و تقویت سرمایه اجتماعی تأکید می‌کرد، در حالی که الله‌کرم شفافیت بی‌قید و شرط را مساوی با پوپولیسم و تهدیدی علیه امنیت می‌دانست.

در ادامه مناظره، بحث به سمت نقد کارنامه سیاسی دو جریان کشیده شد. الله‌کرم، عطریان‌فر و همفکرانش را متهم کرد که در گذشته همواره تصمیمات پرهزینه‌ای گرفته‌اند و امروز تلاش می‌کنند، مسئولیت آن‌ها را به گردن دیگران بیندازند. او گفت که شما در زمان برجام همه هشدارها را نادیده گرفتید. امروز هم به جای پذیرش خطا از تصمیم جمعی حرف می‌زنید. این فرار از مسئولیت است.

عطریان‌فر در واکنش، این اتهام را رد و تأکید کرد که «سیاست، عرصه تصمیم‌گیری جمعی است و هیچ فردی به‌تنهایی مسئول یا مقصر مطلق نیست». او یادآور شد همان کسانی که امروز از برجام انتقاد می‌کنند، آن زمان در جلسات تصمیم‌گیری حضور داشتند. اگر مخالف بودند چرا همان وقت مانع نشدند؟

جدل بر سر رهبری و نهادهای عالی

یکی دیگر از نقاط حساس، تفسیر سخنان رهبری درباره برجام بود. الله‌کرم با اشاره به انتقادهای مکرر رهبری، استدلال کرد که این انتقاده‌ها نشانه عدم رضایت و اشتباه بودن مسیر بوده است. عطریان‌فر اما تأکید داشت که «اگر برجام اساساً مغایر با سیاست‌های کلان بود اصلاً اجازه اجرا پیدا نمی‌کرد». او گفت: «نمی‌توان به صورت گزینشی، بخشی از مواضع را برجسته کرد و بخشی دیگر را نادیده گرفت».

این جدل، بار دیگر جایگاه شورای عالی امنیت ملی و نهادهای عالی تصمیم‌گیر را به مرکز بحث کشاند. عطریان‌فر تلاش می‌کرد، نشان دهد که برجام محصول یک فرآیند ملی و قانونی بوده است، در حالی که الله‌کرم آن را تسلیم‌نامه‌ای تحمیلی معرفی می‌کرد که با فشار جریان غرب‌گرا به کشور تحمیل شد. در طول مناظره، عطریان‌فر بارها تلاش کرد با استدلال‌های تاریخی و ارجاع به تصمیمات جمعی بر مسئولیت‌پذیری مشترک تأکید کند. در مقابل، الله‌کرم با جملات کوتاه و صریح بر تصمیمات گذشته می‌تاخت. این تقابل زبانی، فضای مناظره را به نقطه‌ای رساند که حتی مجری چند بار ناچار شد برای بازگرداندن آرامش، مداخله کند.

این مناظره تصویر روشنی از دو قرائت متضاد از سیاست خارجی ایران ارائه کرد: قرائت الله‌کرم که تکیه کامل بر قدرت بازدارندگی نظامی، بی‌اعتمادی به دیپلماسی، تأکید بر شفافیت محدود و کنترل شده و نگاه انتقادی به برجام به‌عنوان خسارت محض داشت و قرائت عطریان‌فر که ضرورت ترکیب دیپلماسی و قدرت نظامی، دفاع از برجام به‌عنوان تصمیم ملی و تأکید بر شفافیت و آگاهی‌رسانی برای حفظ سرمایه اجتماعی را مطرح می‌کرد. این رودرویی، بار دیگر نشان داد که سیاست خارجی ایران همچنان میدان اصلی جدال جریان‌های سیاسی است و برجام، مکانیسم ماشه و حتی آتش‌بس اخیر هنوز هم موضوعاتی زنده و محل نزاع در سپهر سیاسی کشور هستند.

اجرای برنامه هفتم در گرو عزم دولت چهاردهم

تأخیری را نادیده نخواهد گرفت: «مجلس ابزارهای نظارتی خود را برای تحقق برنامه به کار می‌گیرد. هم‌افزایی میان دولت و مجلس، شرط موفقیت برنامه هفتم است». او همچنین خطاب به کابینه دولت چهاردهم گفت که انسجام، هماهنگی و شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها ضروری است و بدون آنها هیچ ارزیابی درستی از عملکرد دولت ممکن نخواهد بود.

در مقابل، دولت پزشک‌بازان با اشاره به شرایط پیچیده اقتصادی و محدودیت‌های اجرایی اعلام کرده است که اجرای همه احکام برنامه هفتم در زمان محدود امکان‌پذیر نیست و بخشی از اهداف نیازمند بازیابی و اولویت‌بندی هستند. با این حال کارشناسان هشدار می‌دهند که اعلام غیرقابل اجرا بودن بخش عمده‌ای از برنامه می‌تواند اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی دولت را تحت تأثیر قرار دهد.

برنامه‌های توسعه فاصله گرفته‌اند، هزینه‌های سنگینی بر اقتصاد و معیشت مردم تحمیل شده است. او افزود: «در برنامه هفتم، تکالیف روشنی در زمینه رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی، کنترل نقدینگی، مهار کسری بودجه و ارتقای بهروری مشخص شده و دولت باید این موارد را جدی عملیاتی کند نه اینکه در حد شعار باقی بماند». رئیس مجلس همچنین بودجه سال آینده را نخستین آزمون واقعی دولت برای اجرای برنامه دانست و تأکید کرد: «بودجه باید بر اساس واقعیات اقتصادی و متناسب با ظرفیت‌های برنامه هفتم تنظیم شود. اگر بودجه با برنامه هم‌راستا نباشد، تناقض میان اسناد بالادستی و اسناد مالی ادامه خواهد یافت». قالیباف در ادامه با بیان اینکه مجلس هم مطالبه‌گر و هم کمک‌کننده به دولت است، تأکید کرد که مجلس آماده حمایت از دولت برای تحقق برنامه است اما هیچ کوتاهی یا

دورخیز برای تصرف؟

فشار سیاسی - نظامی ترامپ با پوشش ضدقاچاق بر ونزولا

و گردانی از تفنگداران دریایی با بیش از دو هزار نیرو و جنگنده‌های هریر گزارش شده است. پورتوریکو و جزایر اطراف به‌عنوان مراکز عملیاتی انتخاب شده و پروازهای متعدد نظامی از داخل خاک آمریکا به منطقه انجام شده است. چنین ترکیبی از نیرو و تجهیزات، امکان اجرای عملیات‌های بزرگ‌تر، از تصرف موقت زیرساخت‌ها تا حمله مستقیم به اهداف داخل خاک ونزولا را مهیا می‌کند. برخی رسانه‌ها خبر داده‌اند که ترامپ از ارتش خواسته برای حمله به اهداف مرتبط با کارتل‌های مواد مخدر در خاک ونزولا برنامه‌ریزی کند. تحلیل‌های غالب معتقدند این حملات در صورت وقوع، محدود و هدفمند خواهند بود و به اشغال خاک منجر نمی‌شوند. با این حال ترکیب استقرارهای صورت‌گرفته و آموزش‌های انجام شده، نشان می‌دهد که واشنگتن گزینه‌هایی برای کنترل موقت یا تسلط محدود نیز در نظر گرفته است. همین احتمال فشار روانی و سیاسی چشمگیری بر دولت مادورو وارد می‌کند. از منظر تحلیلی، تمرکز بر قاچاق مواد مخدر، توجیه کافی برای چنین سطحی از آمادگی ندارد. هزینه‌های مالی و لجستیکی استقرار ناوگان و جنگنده‌ها بسیار بالاست و فراتر از نیازهای یک عملیات محدود دریایی. در واقع، این چپش نظامی بیشتر به‌منزله ابزار فشار سیاسی

گروه بین‌الملل: پس از صدور مجوز از سوی دونالد ترامپ برای حملات مرگبار علیه قاچق‌های مظنون به قاچاق مواد مخدر در آب‌های اطراف ونزولا، استقرار نظامی ایالات متحده در منطقه به سطحی بسیار فراتر از عملیات‌های ضدقاچاق رسیده است. این آرایش جدید نیروها تنها برای مقابله با شناورهای کوچک مناسب نیست بلکه امکان تصرف و کنترل بنادر و فرودگاه‌های کلیدی ونزولا را نیز فراهم می‌آورد. چنین سطحی از آمادگی نشان می‌دهد که هدف واشنگتن صرفاً مهار قاچاق نیست بلکه ایجاد فشار نظامی گسترده‌تر و فراهم کردن ابزار بازدارندگی علیه دولت نیکلاس مادوروست.

پنتاگون در ماه‌های اخیر رزمایش‌هایی انجام داده که نشان‌دهنده سناریوهای پیچیده‌تری است. در یکی از این تمرین‌ها در جزایر ویرجین آمریکا، نیروهای ویژه با چتر از هواپیما پایین پریدند، پس از رسیدن به آب با قایق‌های بادی خود را به ساحل رساندند و کنترل فرودگاه شبیه‌سازی شده را به دست گرفتند. این نوع رزمایش آشکارا به منزله تمرین برای تصرف سریع تأسیسات کلیدی و تثبیت مواضع است؛ اقدامی فراتر از عملیات‌های محدود علیه قاچاقچیان.

در همین راستا، استقرار گسترده نیروهای آمریکایی شامل ناوهای جنگی، جنگنده‌های اف-۳۵، یک زیردریایی

روسیه

تهدید هژمون غرب

گزارش سخنرانی پوتین در نشست سالانه باشگاه بین‌المللی والدای و هشدارهای هسته‌ای و نظامی به اروپا و آمریکا



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

گروه بین‌الملل: سخنرانی اخیر ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در بیست‌ودومین نشست سالانه باشگاه بین‌المللی والدای به صحنه‌ای مهم برای بیان دیدگاه‌های راهبردی کرملین تبدیل شد. این سخنرانی در شرایطی ایراد شد که جنگ اوکراین همچنان ادامه دارد و روابط روسیه با کشورهای غربی در یکی از پر تنش‌ترین دوره‌های خود طی چند دهه اخیر قرار گرفته است. پوتین در این سخنرانی با انتقاد شدید از آنچه «هژمونی رو به افول اما تهاجمی غرب» خواند بار دیگر بر تعهد روسیه به ساختن نظم جهانی مبتنی بر چند قطبی بودن تأکید کرد.

او با نگاهی ژرف به تحولات ژئوپلیتیکی، تاریخ معاصر را از منظر روسیه بازخوانی و هشدارهایی آشکار و ضمنی را خطاب به غرب مطرح کرد. این سخنان نه‌تنها برای تقویت انسجام داخلی روسیه طراحی شده بودند بلکه هدف‌شان ارسال پیام‌هایی روشن به کشورهای غیر غربی و تحت فشار قرار دادن اروپا نیز بود.

پوتین معتقد است که دوران سلطه یک‌جانبه غرب به پایان رسیده و جهان در حال ورود به مرحله‌ای جدید است که در آن قدرت‌ها به‌صورت چندقطبی عمل خواهند کرد. از دیدگاه او، این تحول نه یک آرمان‌گرایی بلکه واکنشی طبیعی از سوی نظام بین‌الملل به تلاش‌های غرب برای تحمیل هژمونی جهانی است. او دوره پس از جنگ سرد را زمانی توصیف کرد که «برندگان خودخوانده» سعی کردند، الگوهای خود را بر جهان تحمیل کنند اما نتیجه آن چیزی جز افزایش بی‌ثباتی و هرج‌ومرج نبود. پوتین در ادامه به چند عرصه اشاره کرد که به‌زعم او، غرب در آنها با رفتارهای یک‌جانبه موجب تضعیف نظم جهانی شده است. نخست در حوزه حقوق بین‌الملل، جایی که تحریم‌های یک‌جانبه و تفسیرهای گزینشی از قوانین، بنیان‌های سازمان تجارت جهانی را متزلزل کرده‌اند. دوم در عرصه ژئوپلیتیک که گسترش ناتو به شرق را بی‌توجه به نگرانی‌های امنیتی روسیه دانست و گفت غرب، گفت‌وگو را تنها در قالب اطاعت می‌پذیرد.

او با تأکید بر اینکه گسترش ناتو عامل اصلی بحران اوکراین است، تلاش کرد این روایت را تثبیت کند که روسیه نه عامل بی‌ثباتی بلکه مدافع حاکمیت ملی کشورها و طرفدار نظم عادلانه‌تر و متوازن‌تر است. از نظر پوتین چنین نظمی باید به تفاوت‌های فرهنگی، تاریخی و تمدنی احترام بگذارد. این تصویرسازی در راستای تلاش‌های دیرینه روسیه برای جلب حمایت کشورهای غیر غربی و معرفی خود به‌عنوان صدای جهان جنوب صورت می‌گیرد.

بخش قابل توجهی از سخنرانی به جنگ اوکراین اختصاص



موج جدیدی از پناهجویی از جمله پیامدهای ناخواسته این اقدامات است. تجربه‌های گذشته در مداخلات مشابه نشان داده که استقرار نیروهای بزرگ در مناطق پرجمعیت همواره با خطرات انسانی همراه بوده است. در کوتاه‌مدت سه سناریو برای اقدامات آمریکا محتمل است: نخست، حملات محدود و هدفمند علیه اهداف مرتبط با قاچاق که کم‌هزینه‌تر و کم‌ریسک‌تر است اما تأثیر استراتژیک اندکی دارد. دوم، تسلط موقت بر زیرساخت‌های کلیدی برای اعمال فشار مستقیم بر دولت مادورو که بیشترین ریسک سیاسی و دیپلماتیک را به همراه دارد. سوم، افزایش صرف حضور نظامی و برگزاری رزمایش‌ها به‌عنوان پیام بازدارنده بدون ورود به درگیری مستقیم؛ رویکردی که هزینه سیاسی کمتری دارد اما تنش‌ها را با برجا نگه می‌دارد.

آسیا

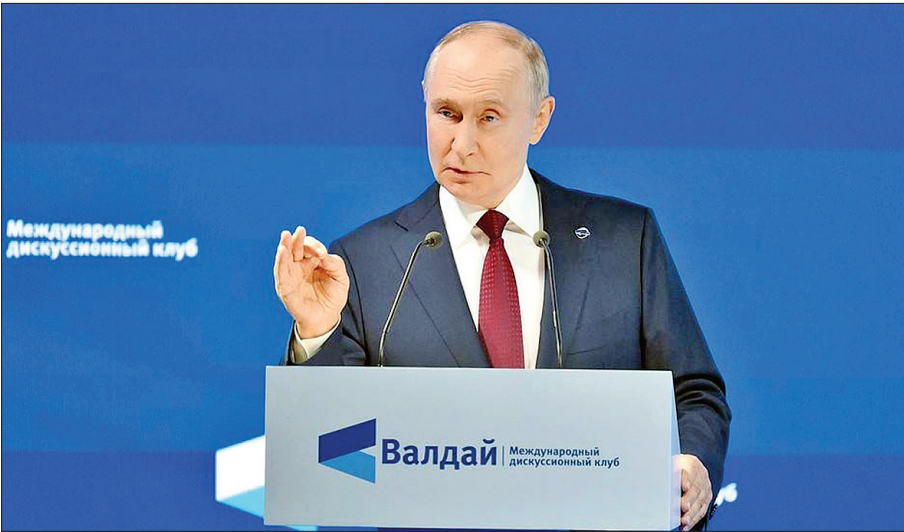
سایه جنگ بر افغانستان

بگرام به کانون تنش آمریکا و طالبان بدل شد

گروه بین‌الملل: رسانه‌های افغانستان گزارش داده‌اند که طالبان به ساکنان خانه‌های اطراف پایگاه بگرام دستور داده‌اند که منازل خود را تخلیه کنند. به نوشته خبرگزاری جمهور این دستور حدود یک هفته پیش صادر شده و طالبان دلیل آن را «احتمال حمله هوایی آمریکا و قرار گرفتن خانواده‌ها در معرض خطر» عنوان کرده‌اند.

با این حال منابع محلی تأکید دارند، طالبان هیچ‌گونه غرامت یا امتیازی برای خانواده‌هایی که مجبور به ترک خانه‌هایشان شده‌اند، در نظر نگرفته و صرفاً بر خروج فوری آنان اصرار دارند. در همین حال شماری از منابع در ولایت پروان نیز خبر داده‌اند که تعدادی از جنگجویان طالبان که اخیراً از ولایت‌های شرقی و جنوبی به بگرام منتقل شده بودند، خانواده‌های خود را از این منطقه خارج کرده‌اند.

همزمان با این تحولات، پرواز هواپیماهای شناسایی و جاسوسی در آسمان ولایت‌های شمالی از جمله بامیان، بغلان و پروان مشاهده شده است؛ موضوعی که نگرانی‌ها درباره احتمال آغاز تحرکات نظامی جدید را افزایش داده است. در سوی دیگر، تراویس میلز از اعضای پیشین نیروهای ویژه آمریکا در یادداشتی اعلام کرده است که نیروهای آمریکایی، تجهیزات خود را آماده کرده و منتظر دستور اعزام به افغانستان هستند. از طرفی حمدالله فطرت، معاون سخنگوی طالبان با انتشار ویدیویی در شبکه اجتماعی ایکس، گروهی از افراد طالبان را نشان داده که ترانه‌ای با شعار «بار دیگر انتحاری می‌کنیم» سر می‌دهند. در این ترانه به «جهاد مجدد»، «تجاوز احتمالی» همچنین نام جلال‌الدین حقانی اشاره شده است؛ اقدامی که بار دیگر فضای سیاسی و امنیتی افغانستان را ملتهب کرده است. یادآوری می‌شود که بحث درباره بازگشت احتمالی نیروهای آمریکایی به افغانستان و بازپس‌گیری پایگاه هوایی بگرام پس از اظهارات مکرر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، بار دیگر به یکی از محورهای اصلی گفت‌وگوهای سیاسی و امنیتی در این کشور تبدیل شده است. به باور تحلیلگران، ظرفیت بالای بگرام برای عملیات نظامی، منابع سرشار معدنی افغانستان، موقعیت ژئوپلیتیک این کشور در همسایگی چین همچنین نقش آن در تقویت نفوذ آمریکا در آسیای مرکزی از مهم‌ترین دلایل تمایل ترامپ برای بازگشت به این پایگاه استراتژیک تلقی می‌شود.



انتقاد دارند. پوتین همچنین تلاش کرد، اقدامات کنونی غرب را به تاریخ استعمار پیوند دهد. او یادآوری کرد که قدرت‌هایی که در گذشته مستعمرات را غارت کردند، امروز نیز با همان منطق عمل می‌کنند. این قیاس آشکار با هدف جلب همبستگی ملت‌های غیر غربی و تقویت روایت روسیه به‌عنوان متحد طبیعی کشورهای جنوب جهانی مطرح شد. در جمع‌بندی سخنرانی، پوتین سیاست جدیدی را اعلام نکرد بلکه تلاش کرد، روایتی تثبیت شده را بار دیگر برجسته کند؛ روایتی که روسیه را کشوری مقاوم در برابر تحریم‌ها و در حال مقابله با کل بلوک ناتو نشان می‌دهد. او کوشید، تصویری از روسیه ارائه دهد که قدرتی مطمئن، دارای طرحی روشن برای آینده و آماده مقابله با هر نوع فشار است.

پیام اصلی سخنرانی پوتین دو محور داشت: نخست، تأکید بر مقاومت در برابر سلطه تک‌قطبی و دوم، هشدار جدی به غرب درباره پیامدهای تحریک روسیه. با این حال، او تأکید کرد که روسیه درهای گفت‌وگو را بسته است اما اجازه نخواهد داد که فشارهای نظامی یا تبلیغاتی غرب، استقلال و امنیت این کشور را تهدید کند. این سخنرانی که با دقت برای مخاطبان داخلی و خارجی طراحی شده بود، بار دیگر نشان داد که کرملین چگونه تلاش می‌کند، جنگ اوکراین و تقابل با غرب را نه یک بحران مقطعی بلکه بخشی از نبردی تاریخی برای بازتعریف نظم جهانی معرفی کند. آنچه در نشست والدای امسال مطرح شد، در واقع سندی راهبردی برای فهم منطق سیاست خارجی کنونی روسیه بود؛ منطقی که بر این باور استوار است که دوران تک‌قطبی به پایان رسیده و جهان چندمرکزی، دیر یا زود، ساختار بین‌الملل را درگروگن خواهد کرد.

یاد

در هاله‌ای از فروتنی

کامران فانی در خانهٔ سالمندان



چند سالی است که از کامران فانی، نویسنده، مترجم و دانش‌نامه‌نگار خبری نبود و از هر کسی دربارهٔ او سوال می‌شد، اظهار بی‌اطلاعی می‌کرد و یا پاسخی گنگ می‌داد. روز پنج‌شنبه سیدمحمد طباطبایی، نویسنده و روزنامه‌نگار در یادداشتی که خبرگزاری اپنا، آن را منتشر کرد از حضور فانی در خانهٔ سالمندان خبر داد و پیش از این هم از گوشه و کنار شنیده می‌شد که کامران فانی دچار آلزایمر شده و به همین خاطر این چند سال در هیچ جمعی حضور پیدا نکرده و خبری از او نبوده است.

سراغ فانی را از کتاب‌هایش بگیریم نه خانه سالمندان



در یادداشت سیدمحمد طباطبایی آمده است: خبر را که شنیدم بلافاصله این سوال به ذهنم آمد که اگرچه کامران فانی از سال‌ها قبل در خلوت خود فرو رفته بود اما چرا باید حالا در خانه سالمندان باشد؟ این که کسی خبردار نشده است، عجیب نیست؛ او همواره دور از هیاهو و در آرامش خود زندگی کرده پس عجیب نیست که حالا هم جز نزدیکانش کسی از اقامت و بستری‌اش در خانهٔ سالمندان خبر نداشته باشد. تلفن را که قطع می‌کنم یک چیز نگرانم می‌کند؛ نکند کسی بخواهد پاپاراتزی‌بازی دریابورد و دنبال آدرس و نشان خانه سالمندانی که او در آن اقامت دارد، بگردد و نگران‌تر اینکه نکند کسی از او در خانه سالمندان، عکسی از او منتشر کند. او کامران فانی است؛ همان مرد خوش‌پوش و متین و موقر و آراسته. باید از او همین تصویر بماند تا همیشه. کامران فانی از یگانه‌های کتاب و کتاب‌داری و فرهنگ است در عصر ما. مگر نه اینکه فیلسوف هم‌عصر ما، زنده‌نام داریوش شایگان، جز او هیچ‌کس را بدون قرار قبلی نمی‌دید؟ مگر نه این‌که هم او می‌گفت، کامران فانی بر من تاثیر گذاشته و او را می‌ستایم؟ هم او که دربارهٔ کامران فانی می‌گفت: «در توصیف عشقی که کامران فانی به فرهنگ می‌ورزد و احاطهٔ وسیعی که بر آن دارد، همواره تعبیر فرانسوی انسان عهد رنسانس را به یاد می‌آورم، یعنی مردانی که به همه علوم و معارف روزگار خود احاطه دارند و به معنای واقعی کلمه علامه یا به زبان امروزی فرهیخته بودند». این‌گونه است که از سخن شایگان می‌توان کمک گرفت و گفت، کامران فانی فقط یک مترجم یا مولف یا کتابدار نیست، او همهٔ این‌هاست و بیش از همه این‌هاست؛ او فرهیخته است.

کامران فانی را می‌توان در دایرهٔ وسیع همکاران و دوستانش شناخت؛ دایره‌ای به وسعت علم و فرهنگ که در آن از سیدجلال‌الدین آشتیانی تا پوری سلطانی قرار

دارند. پوری سلطانی در تمام طول حیات خود همواره از کامران فانی به نیکی یاد می‌کرد که او را بهتر از هر کسی می‌شناخت چه این‌که همکار و همفکر و هم‌دغدغه بودند. هر دو کتاب و کتابداری را پیش گرفته بودند. از همین رو بود که در شب پوری سلطانی، او برای پوری سخنرانی کرد و در بخارا، پوری سلطانی برای کامران فانی نوشت: «بارها خود من به ایشان گفته بودم که اگر شما نصف این اوقاتی را که صرف اصلاح کارهای دیگران می‌کنید به کار خودتان می‌پرداختید تا به حال ده‌ها کتاب و مقاله به جامعه هدیه شده بود. ولی این ایثار و مهر و دیگران را زیر پر و بال گرفتن برای اینکه رشد کنند و پویا شوند، ذاتی اوست، چیزی نیست که به گفته من یا دیگران تغییر کند. بدین ترتیب ده‌ها و ده‌ها مترجم به جامعه تحویل دادند.»

سخن از ترجمه شد، شاید کمتر کسی بداند که کامران فانی، کار ترجمه را در سال ۱۳۴۴ وقتی فقط ۲۱ سال داشت با ترجمه نمایش‌نامه «مرغ دریایی» آنتوان چخوف شروع کرده است. همان زمان که کسی را نداشت که به ناشری معرفی‌اش کند و ایسن محمدجعفر محبوب بود که نمایشنامه او را نخوانده به نشر اندیشه معرفی‌اش کرد. شاید کسی نداند که نخستین ویراستار کارهای او محمدعلی کشاورز بوده که همین نمایش‌نامه «مرغ دریایی» را ویراستاری کرد. شاید کمتر کسی بداند که او در همان دوران جوانی دو نمایش‌نامه «سه خواهر» (آنتوان چخوف) و «آدم‌های ماشینی» (کارل چاپک؛ نویسنده اهل چک) را با همراهی سعید حمیدیان ترجمه کرده است. این‌ها البته در برابر بسیار اثر ارزشمندی که او تالیف و ترجمه کرد به چشم نمی‌آید؛ از کتاب‌هایی همچون «زرتشت، سیاستمدار یا جادوگر»، «سلوک روحی بتهوون»، «علم در تاریخ»، «تاریخ ایران» و بسیاری کتاب دیگر می‌گویم.

او که به قول بهاء‌الدین خرمشاهی «چنین وارسته کمتر آدمی هست. بزرگ است بدون بزرگ‌نمایی و بزرگوار است و همواره در هاله‌ای از فروتنی. انسان چنین فروتن در این پایه و با این مایه از فضل و فرهنگ کمتر داریم». و چه درست می‌گوید بهاء‌الدین خرمشاهی که او همواره در هاله‌ای از فروتنی بوده است. پس شاید حضورش در خانه سالمندان هم در راستای خلوت‌گزینی و فروتنی‌اش باشد اگرچه بیماری روی جانش سنگینی می‌کند. من می‌خواهم او را با آخرین حضورش در یک برنامه عمومی که مربوط به تنها بزرگداشت‌اش است به ذهن بسپارم؛ شب بخارا که توسط علی دهباشی به افتخار کامران فانی برگزار شد. من او را با این تصویر ثبت می‌کنم نه با تصویر بیمارشار در خانه سالمندان. می‌خواهم او را با سخنرانی‌اش در شب پوری سلطانی به خاطر بسپارم نه با تصویرش در اتاق خانه سالمندان. کاش بدانیم، او آدم خلوت‌گزینی بود و حالا هم دوست ندارد، کسی سراغش را در خانه سالمندان بگیرد. دنبال عکس و خبر از او در این تصویر و موقعیت نباشیم. کاش مسئولان و نهادهای فرهنگی هم هیچ کاری برای او نکنند که در ازایش با او عکس بگیرند. کامران فانی همیشه همان فرهیخته آراسته است برای اهالی فرهنگ. سراغ کامران فانی را از کتاب‌هایش بگیریم نه خانه سالمندان.

آیین نکوداشت مقام علمی و اخلاقی حجت‌الاسلام حسن طارمی راد، دانش‌نامه‌نگار و پژوهشگر با پیام آیت‌الله جعفر سبحانی، مرجع تقلید و با حضور جمعی از چهره‌های علمی و فرهنگی برگزار شد.

پیام آیت‌الله سبحانی

در این مراسم که به همت بنیاد دایره‌المعارف اسلامی در تالار قلم سازمان اسناد و کتابخانه ملی برپا شد، متن پیام آیت‌الله جعفر سبحانی از مراجع تقلید که برای مراسم نکوداشت حجت‌الاسلام حسن طارمی‌راد نوشته بود، خوانده شد.

در بخشی از این پیام آمده بود: «نکوداشت فرزندگان در حقیقت تکریم علم، اخلاص و جهاد علمی در عرصه اندیشه اسلامی است. حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر حسن طارمی‌راد از جمله عالمان فرهیخته‌ای است که در تبیین معارف اصیل حوزوی و در گشودن افق‌های نو در دانش دینی، شیعه‌شناسی و تاریخ علم، گام‌های ماندگاری برداشته‌اند. باشد که این بزرگداشت، چراغی باشد برای نسل‌های آینده در مسیر اعتلای فرهنگ و معارف اسلامی.»

عموم جامعه با خدمات حجت‌الاسلام طارمی آشنا نیست

غلامرضا امیرخانی، ریاست سازمان اسناد و کتاب‌خانهٔ ملی به عنوان میزبان مراسم و اولین سخنران به بیان خاطراتی از حجت‌الاسلام طارمی و سابقهٔ آشنایی خود با این چهرهٔ علمی پرداخت و گفت: «هر زمان خدمت جناب طارمی می‌رسد، همواره نکته تازه‌ای بیان می‌شود ضمن اینکه ایشان فردی متواضع هستند. آقای طارمی از فضای تبلیغ به‌دور هستند درحالی‌که دور بودن از این فضا هم به‌طور کامل هم خوب نیست؛ در حال حاضر عموم جامعه به‌خوبی ایشان و خدمات‌شان را نمی‌شناسند.»

نقش طارمی در دایره‌المعارف جهان اسلام

حسن سیدعرب، مدیر کتاب‌خانه و مرکز اطلاع‌رسانی بنیاد دایره‌المعارف اسلامی و دبیر علمی مراسم بزرگداشت گفت: «حجت‌الاسلام طارمی‌راد، جایگاه ویژه‌ای در عرصه علمی دارند و خدمات ایشان در حوزه دایره‌المعارف اسلامی بی‌نظیر است. تاکنون ۳۲ جلد دایره‌المعارف تدوین شده که ۳۶ جلد آن زیر نظر مستقیم ایشان تهیه و تنظیم شده است. امیدواریم تا سال ۱۴۱۰ تدوین این مجموعه عظیم به پایان برسد. برنامه‌ریزی کرده‌ام تا سال آینده در همین ایام، جشن‌نامه‌ای برای استاد طارمی منتشر کنیم و از هم‌اکنون منتظر دریافت مقالات علمی مرتبط هستیم.»

سینمای ایران

قصه مظلومان فراموش شده

گفت‌وگو با کارگردان بچه مردم درباره انگیزه ساخت اولین فیلمش



بسیار اندک است. در نتیجه تصمیم گرفتیم تا از بازیگردان در مراحل تولید استفاده کنیم و علی‌صلاحی در این سمت به جمع عوامل فیلم اضافه شد. برای انتخاب بازیگر نوجوان، آقای صلاحی فرآیندی طولانی را طی کرد و از حدود ۲ هزار نفر تست گرفته شد. تا سرانجام به صورت اتفاقی و معجزه‌وار ۳ شخصیت اصلی را انتخاب کردیم. خوشبختانه حضور بازیگردان در «بچه مردم» باعث شد تا تمام بازی‌ها، جلوه‌ای یکدست داشته باشد.

این فیلمساز با اشاره به اهمیت اقتصاد سینما در رونق سینمای کودک و نوجوان توضیح می‌دهد: زمانی که اقتصاد سینما وضعیت مطلوبی

تجلیل از سه دهه دانش‌نامه‌نگاری

نکوداشت حجت‌الاسلام حسن طارمی‌راد

روایت حداد عادل از ۵۰ سال آشنایی با طارمی

غلامعلی حدادعادل، عضو هیأت‌ام‌نای بنیاد دایره‌المعارف اسلامی و رئیس فرهنگستان زبان فارسی از دیگر سخنرانان مراسم نکوداشت بود و گفت: «برپایی چنین مجلسی در ۷۰ سالگی جناب طارمی، کاری بایسته و شایسته بود و حتی لازم بود زودتر از این‌ها برگزار شود. آشنایی من با خانواده طارمی به حدود سال ۱۳۴۲ بازمی‌گردد، زمانی که سال اول دانشگاه بودم. در آن دوران با برادر بزرگتر ایشان، که طلبه‌ای فاضل بودند، محشور و بعدها با سایر برادران نیز آشنا شدم. در سال ۱۳۵۴ درسی غیررسمی در مباحث فلسفی برای دانش‌آموزان دبیرستان علوی برگزار می‌کردم که آقای طارمی نیز در آن کلاس‌ها شرکت می‌کردند. در سال ۱۳۷۴ که به ریاست بنیاد منصوب شدم، بهترین فرد برای معاونت بنیاد را جناب طارمی یافتم. مهم‌ترین خصوصیت آقای طارمی، ایمان دینی ایشان است. فردی متقی، پاک‌دست، پاک‌چشم و پاک‌دل هستند و اهل حفظ محرمات‌اند. اخلاق ایشان نیز مثال‌زدنی است؛ مودب، خوش‌برخورد، سلیم‌النفس، مهربان، دلسوز و متواضع‌اند. ایشان روحیه جذب بیش از دفع دارند، اهل تسامح در غیر اصول و مبانی‌اند و چهره‌ای دل‌پذیر در میان همکاران خود عرضه کرده‌اند. فهرست ده‌ها مقاله علمی و کتاب‌های تألیفی ایشان گواهی بر توانایی علمی ایشان است. وجود آقای طارمی برای بنیاد و جامعه علمی کشور یک نعمت است. امروز بنیاد دایره‌المعارف اسلامی پس از ۴۲ سال هم‌چنان پایرجاست.»

سیدابوالحسن نواب، موسس و رئیس دانشگاه ادیان و مذاهب نیز گفت: «با جناب طارمی هم‌درس بودیم در کلاس‌های آیت‌الله شبیری زنجانی و با قاطعیت می‌گویم، ایشان یکی از پنج روحانی برجسته کشور هستند. آرامش، اخلاق، ادب و تدین ایشان در بالاترین سطح ممکن قرار دارد و این ویژگی‌ها در رفتار و منش ایشان کاملاً مشهود است.»

مأموریت علمی طارمی

محمود حقیقی، دوست و همکار حجت‌الاسلام طارمی‌راد دیگر سخنران این مراسم بود که به بیان خاطراتی از همکاری با او پرداخت و گفت: «بیش از سه دهه است که در بنیاد دایره‌المعارف اسلامی به‌عنوان دانشجوی تمام‌وقت فعالیت می‌کنم. یکی از فرصت‌های ارزشمند برای من، هم‌اتاق شدن با آقای طارمی بود. در سال ۱۳۷۶ به معاونت علمی بنیاد منصوب شدند. در دوره مدیریت ایشان، انتشار دانش‌نامه با سرعت بیشتری پیش رفت و ضوابط و استانداردهایی برای تدوین آن مکوب شد. با تمهیدات صورت‌گرفته توسط ایشان، روند انتشار دانش‌نامه روان‌تر شد، گروه‌های مختلف فعال شدند، گروه‌های بزرگ‌تر منشعب شدند و گروه‌های جدیدی نیز شکل گرفتند تا اداره امور بهتر انجام شود.»

دیدگاه: یادداشت سیتمایی

وقتی داستان تمام می شود اما تأمل نه

فرهادی و پایان های معلق: باز یا بسته؟



مهرزاد دانش

منتقد

چندی پیش خبر شروع کارگردانی فیلم جدید اصغر فرهادی در فرانسه در رسانه‌ها منتشر شد. این فیلم داستان‌های موازی (Parallel Tales) نام دارد که دهمین اثر اصغر فرهادی است و ستارگان سینمای فرانسه از جمله ایزابل هوپر، ونسان کسل و کاترین دونو در آن نقش آفرینی می‌کنند.

این رویداد، بار دیگر توجه به سینماگر بین‌المللی کشورمان را برانگیخت. در این مجال به این بهانه، مروری بر یکی از نکته‌هایی که معمولاً به سینمای فرهادی منسوب می‌شود، خواهیم داشت: بحث پایان باز؛ بحثی که حتی گاه به شوخی و طنز نیز کشیده می‌شود و مواردی که در زمینه‌های دیگر مثل ادبیات، سیاست، خبر و...

شکلی ناتمام دارند به آثار فرهادی تشبیه می‌شوند.

یکی از موضوعات مورد بحث درباره آثار فرهادی، پایان‌بندی فیلم‌هایش است که اغلب به عنوان پایان باز یا معلق توصیف می‌شوند. در سینمای مدرن، پایان باز معمولاً به پایان‌بندی‌هایی اطلاق می‌شود که داستان بدون نتیجه‌گیری قطعی رها می‌شود. نمونه بارز این تمهید را می‌توان در آثار میکال آنجلو آنتونیونی مانند ماجرا یا آگران‌سیسمان دید. در این فیلم‌ها، خطوط داستانی اغلب بدون توضیح یا حل‌وفصل رها می‌شوند؛ آن سان که در ماجرا، شخصیت اصلی گم می‌شود و فیلم بدون روشن کردن سرنوشتش به پایان می‌رسد. این نوع ابهام، تماشاگر را در یک فضای وجودی و فلسفی معلق نگه می‌دارد بدون اینکه سرنخ روشنی ارائه شود. اما پایان‌های فرهادی، برخلاف این سبک به لحاظ روایی تا حد زیادی بسته هستند. در درباره الی، جسد الی پیدا می‌شود و نامزدش او را شناسایی می‌کند و در جدایی نادر از سیمین، طلاق زوج، نهایی می‌شود و داستان به یک جمع‌بندی نسبی می‌رسد. این پایان‌ها، برخلاف آنچه برخی منتقدان «باز» می‌نامند به اندازه کافی قطعی‌اند و ابهامی که در ذهن مخاطب باقی می‌ماند، نتیجه دغدغه‌های کلی اثر است نه صرفاً پایان‌بندی.

به فیلم درباره الی در این مورد دقیق‌تر بنگریم: داستان با مفقودشدگی و مرگ احتمالی الی و جست‌وجوی گروه دوستان برای یافتن او پیش می‌رود. در پایان، جسد پیدا می‌شود و نامزد الی هویت او را تأیید می‌کند. از نظر روایی این یک پایان نسبتاً بسته است زیرا گره اصلی داستان (سرنوشت الی) حل می‌شود. اما آنچه باعث می‌شود برخی این پایان را «باز» بدانند، پرسش‌های اخلاقی و انسانی‌ای است که فرهادی در ذهن مخاطب کاشته است: آیا گروه دوستان در مرگ الی مقصر بودند؟ رفتار آنها چه پیامدهایی برایشان خواهد داشت؟ این پرسش‌ها از کلیت فیلم نشأت می‌گیرند. از ابتدا فرهادی با نمایش قضاوت‌های عجولانه، پنهان‌کاری و تنش‌های بین شخصیت‌ها، دغدغه‌هایی درباره مسئولیت‌پذیری و اخلاق خلق می‌کند. پایان فیلم فقط این دغدغه‌ها را

متبلور می‌کند نه اینکه صرفاً ابهام روایی ایجاد کند. در جدایی نادر از سیمین هم همین‌طور است. داستان به طلاق نادر و سیمین و درگیری‌های اخلاقی مرتبط با آن می‌پردازد. پایان فیلم جایی که ترمه باید بین ماندن با پدر یا مادرش انتخاب کند، ظاهراً به‌صورت معلق رها می‌شود زیرا ما تصمیم نهایی او را نمی‌بینیم. اما این پایان واقعا باز نیست زیرا انتخاب ترمه (هرچه باشد) اهمیتی ثانویه دارد. آنچه مهم است، فروپاشی خانواده و زخم‌های عاطفی ناشی از این جدایی است. فرهادی با متوقف کردن فیلم در لحظه تصمیم‌گیری ترمه یک نقطه اوج احساسی خلق می‌کند که اضمحلال خانواده را به نمایش می‌گذارد. این لحظه صرفاً یک تمرکز حسی است که بار تراژیک فیلم را تقویت می‌کند، نه یک ابهام روایی که بخواد، تماشاگر را در سردرگمی نگه دارد.

پرسش‌های باقی‌مانده در ذهن مخاطب، نتیجه کلیت اثر است نه فقط پایان‌بندی. این نکته‌ای کلیدی در درک سبک فرهادی است. او داستان‌هایش را طوری می‌سازد که از همان ابتدا تنش‌های اخلاقی، اجتماعی و انسانی را در دل روایت می‌کنجاند. در درباره الی این تنش‌ها در قضاوت‌های گروه درباره الی، تفاوت‌های طبقاتی و تصمیمات لحظه‌ای شخصیت‌ها ریشه دارند و در جدایی نادر از سیمین موضوعاتی مثل صداقت در برابر مصلحت، شکاف طبقاتی و تأثیر این درگیری‌ها بر نسل بعد (ترمه) محور داستان هستند. پایان‌بندی‌های فرهادی مانند آینه‌ای عمل می‌کنند که این دغدغه‌ها را بازتاب می‌دهند و به اوج می‌رسانند اما منشأ این پرسش‌ها کل فیلم است نه صرفاً چند دقیقه آخر. به عنوان مثال در جدایی نادر از سیمین، پرسش‌هایی مثل «آیا نادر می‌توانست رفتار متفاوتی داشته باشد؟»، «آینده ترمه چه خواهد شد؟» و یا «نقش جامعه در این فروپاشی چیست؟» از ابتدا در تعاملات شخصیت‌ها و موقعیت‌های دراماتیک شکل می‌گیرند. صحنه نهایی فقط این پرسش‌ها را جمع‌بندی می‌کند و به شکلی فشرده، بار احساسی آنها را به مخاطب منتقل می‌کند.

در این باره، همان‌طور که ابتدای این یادداشت آمد، مقایسه با آثار آنتونیونی به درک تفاوت سبک فرهادی کمک می‌کند. در آثار آنتونیونی و بسیاری دیگر از فیلمسازان مدرن، ابهام اغلب وجودی و روایی است؛ داستان‌ها بدون نتیجه‌گیری مشخص رها می‌شوند و تماشاگر در یک فضای فلسفی معلق می‌ماند. اما فرهادی تعادل متفاوتی در این سپهر ایجاد می‌کند. او داستان را به لحاظ روایی تا حدی جمع‌بندی می‌کند (مثلاً با نهایی شدن طلاق یا پیدا شدن جسد) اما به لحاظ مضمونی و احساسی، پرسش‌های بزرگی را باز می‌گذارد. این رویکرد باعث می‌شود، پایان فیلم‌های فرهادی نه کاملاً باز (به سبک فیلم‌های مدرن اروپایی) باشند و نه کاملاً بسته (به سبک سینمای کلاسیک هالیوود)، او به جای ابهام روایی یک «تعلیق مضمونی» و «ابهام احساسی» خلق می‌کند که تماشاگر را به تأمل وامی‌دارد تا دغدغه‌های جاری در اثر را پس از پایان اثر همچنان در ذهن خود ادامه دهد.



حجت‌الاسلام رضا مختاری، عضو هیأت امنای بنیاد دایره‌المعارف اسلامی و رئیس مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه، گفت: «آقای طارمی‌راد اهل پخل علمی نیستند و روحیه بخشندگی دارند. در کنار این ویژگی، محکم‌کاری و متقن‌کاری نیز از خصوصیات بارز ایشان است. آقای طارمی محبت و ارادت به اهل بیت علیهم‌السلام به‌ویژه علامه مجلسی دارند و در عشق و ارادت‌شان، مقام فانی دارند و این عشق و دل‌بستگی در منش علمی و رفتاری ایشان نیز کاملاً مشهود است.»

زمینه‌ساز حضور زنان در شورای علمی بنیاد

دکتر لیلا هوشنگی، دانشیار دانشگاه الزهرا و از مدیران علمی پیشین بنیاد دایره‌المعارف اسلامی نیز در این مراسم با اشاره به تجربیات زیسته خودش و دیگر همکاران خانم در بنیاد به ایراد سخنرانی پرداخت و گفت: «توفیق داشتم به‌مدت ۳۰ سال در بنیاد دایره‌المعارف اسلامی خدمت کنم. انتشار مجلدات و دانش‌نامه‌ها همواره مایه مباهات و افتخار من بوده است. امروز ملاظه می‌کنیم بیش از ۵۰ درصد حاضران در مراسم بزرگ‌داشت، زنان هستند و زنانی که در بنیاد به فعالیت‌های علمی و پژوهشی می‌پردازند، نقش مؤثری در پیش‌برد اهداف علمی داشته‌اند. حضور به عنوان یک استاد جوان زن در شورای مدخل، موضوعی مهم بود که با حمایت و تدبیر آقای طارمی‌راد محقق شد. ایشان زمینه‌ساز حضور مؤثر زنان در عرصه‌های علمی بنیاد بودند. ایشان نگاه نو و آفاق کلانی دارند و با همین رویکرد، انواع کلاس‌های زبان و حتی کارگاه هوش مصنوعی را در بنیاد راه‌اندازی کردند تا ظرفیت علمی مجموعه ارتقا یابد.»

دکستر قنبرعلی رودگر، مدیر گروه جغرافیای دانش‌نامه اسلام نیز در این مراسم گفت: «قریب به ۲۰ سال پیش که مشغول نگارش مقاله‌ای درباره «حاشیه و حاشیه‌نویسی» بودم به نکته‌ای مهم رسیدم؛ اقتضای حاشیه‌نویس این است که فردی صاحب فضل و دانش بالا باشد.» رودگر با تشبیه شخصیت حجت‌الاسلام طارمی‌راد به حاشیه‌نویسان گفت: «افتخار ۳۰ سال همکاری با آقای طارمی‌راد را دارم. ایشان شخصیتی چندبعدی و چنددانشی هستند. ایشان بسیار بر مطالعه‌اند و این ویژگی را می‌توان از حواشی علمی‌ای که بر مقالات می‌نویسند به‌وضوح دریافت. بیش از ۳۰ جلد دانش‌نامه از زیر نظر ایشان گذشته است و همه آن‌ها را با دقت مطالعه کرده‌اند. تصور نمی‌کنم، کسی در ایران موفق به چنین کاری شده باشد.»

اعتماد به نسل جوان

رقیه میرابوالقاسمی، عضو هیأت علمی و مدیر گروه تاریخ اسلام بنیاد

نداشته باشد به صورت کلی ساخت فیلم در هر گونه‌ای تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد. از سویی دیگر، سینمای ارگانی نیز با مخاطراتی روبه‌رو است چراکه ظاهراً بیش از هر چیز، تنها نوع سفارش مد نظر ارگان‌ها بوده و چندان به مقوله جذب مخاطب توجه نمی‌شود. من امیدوارم برگزاری جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان باعث ایجاد نوعی انگیزه در میان عوامل فیلم‌ها و سینماگران شود.

کریمی در خصوص اینکه «پچه مردم» تا چه اندازه می‌تواند مورد توجه مخاطبان نوجوان قرار بگیرد، می‌گوید: از همان ابتدا بیش از هر چیز مخاطبان بزرگسال مد نظر ما بودند. با اینکه کاراکترهای اصلی این فیلم چند نوجوان هستند اما موضوع «پچه مردم» به گونه‌ای است که باید توسط بیننده بزرگسال درک شود. ما در این فیلم قصد داشتیم، بگویم در کشور افراد مظلومی وجود داشته‌اند که متأسفانه فراموش شده‌اند و نامی از آنها در میان نیست. به همین دلیل فکر کردیم برای اثرگذاری روی مخاطب باید این پیام در روایتی جذاب به بیننده منتقل شود.

این کارگردان درباره واکنش تماشاگران در جشنواره توضیح می‌دهد: هنگام نمایش فیلم در جشنواره فجر سال گذشته بسیاری از مخاطبان نوجوان به من مراجعه کرده و درباره موارد و ابعاد مختلف این فیلم، نظرات خود را عنوان می‌کردند. برای من بسیار جالب بود که این گروه سنی توانسته بودند با داستان فیلم همراه شوند چراکه از ابتدا گروه سنی هدف ما، مخاطبان بزرگسال بودند و در نتیجه بسیار غافلگیر شدم. به نظر می‌رسد، زمانی که قصه جذابی وجود داشته باشد و برای آن فرم متناسبی در نظر گرفته شود، در این صورت مخاطبانی از گروه‌های سنی مختلف با فیلم همراه می‌شوند.

کریمی در حال حاضر مشغول نگارش فیلمنامه‌ای در خصوص نوجوانان است و به این نتیجه رسیده که در دنیا، فیلم‌های محبوب مخاطبان نوجوان الزاماً فیلم‌هایی نیستند که برای مخاطبان نوجوان ساخته شده باشند. او می‌گوید: حتی اگر به گذشته رجوع کنیم، متوجه می‌شویم که بسیاری از ما هم در دوران نوجوانی جذب فیلم‌هایی شدیم که اتفاقاً برای مخاطبان بزرگسال تولید شده بودند. در نتیجه روایت‌های جذاب سینمایی می‌تواند، توجه مخاطبان نوجوان را هم به خود جلب کند. رصمان فیلمساز با تأکید بر ساخت فیلم‌های کودک و نوجوان در اقتصاد یوپایی سینمای ایران تأکید می‌کند: اگر سینما، اقتصادی پویا داشته باشد قطعاً ساخت فیلم‌هایی برای کودکان و نوجوانان نیز با

استقبال بیشتری مواجه می‌شود.

کریمی در خصوص اهمیت حضور در سی‌وهفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان هم می‌گوید: وجود این جشنواره در درجه اول باعث می‌شود تا احساس کنیم، سینمای کودک و نوجوان در کشور همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد. در دهه ۶۰ و ۷۰ سینمای کودک و نوجوان رونق بسیاری داشت اما بعدها گویا نوعی نگاه بازاری و تجاری این گونه را از خود متاثر کرد. خوشبختانه در سال‌های اخیر، سینمای انیمیشن رونق بسیاری پیدا کرده که این موضوع شایسته تقدیر است. به خصوص اهمیت دارد که سینمای مختص نوجوانان مورد توجه بیشتری قرار بگیرد و برای این گروه سنی آثاری تولید شود. معدود آثار مرتبط نیز عموماً «درباره» نوجوان است در حالی که ضرورت دارد تا فیلم‌های متنوعی «برای» آنها ساخته شود.

سی‌وهفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان در ۳ بخش ملی (فیلم‌های بلند، کوتاه و پویانمایی)، بخش بین‌الملل و بخش ویژه از ۱۲ تا ۱۶ مهر با دبیری حامد جعفری در شهر اصفهان برگزار می‌شود.

شناسه آگهی ۲۰۰۸۰۲۵

((آگهی فراخوان سرمایه گذاری))

شهرداری ساری در نظر دارد بمنظور تامین منابع مالی و تسهیل در انجام عملیات عمرانی شهرداری، نسبت به جذب سرمایه گذار معتبر از طریق فراخوان عمومی اقدام نماید. لذا از کلیه سرمایه گذاران علاقمند و واجد صلاحیت فنی، مالی و دارای سوابق و تجربیات دعوت بعمل می آید نسبت به اعلام آمادگی و دریافت اسناد فراخوان اقدام نمایند.

- ۱- برآورد اولیه سرمایه گذاری: ۱۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
- ۲- تاریخ خریداری اسناد: از تاریخ انتشار آگهی ۱۴۰۴/۰۷/۱۲ لغایت ۱۴۰۴/۰۷/۱۷
- ۳- محل خریداری اسناد: سامانه تدارکات الکترونیک دولت {ستاد}
- ۴- شرکت‌کنندگان می‌بایست جهت شرکت در فراخوان عمومی سرمایه



گذاری مبلغ ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال بابت خریداری اسناد به حساب شبا درآمد شهرداری به شماره ۰۱۰۶۸۵۶۲۹۴۰۰۶ واریز نمایند.

- ۵- شرکت کنندگان می بایست حداقل امتیاز لازم از ارزیابی کیفی منضم به اسناد فراخوان سرمایه گذاری را کسب نمایند. بدیهی است تهیه و ارسال مدارک هیچگونه حقی برای متقاضیان ایجاد نمی کند.
- ۶- شهرداری در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار است.
- ۷- سایر اطلاعات و جزئیات مربوط به معامله در اسناد فراخوان درج می باشد.

روزنامه: روزنامه رسمی- سازندگی

انتشار آگهی: روز شنبه مورخ ۱۴۰۴,۰۷,۱۲



دیدگاه: تحلیل اقتصادی

بازارهای تپنده

بازارها هفته گذشته را چگونه سپری کردند؟

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

تکاپوی همزمان بازارهای دارایی متأثر از بازگشت تحریم‌های بین‌المللی، استراتژی معامله‌گران را دستخوش تغییرات جدی کرده است. همان‌طور که قابل پیش‌بینی بود بازارهای ارز، طلا و سکه وارد مسیر صعودی شدند اما کمتر کسی تصور می‌کرد، بورس تهران نیز شانه به شانه بازارهای مذکور رکوردشکنی پی در پی را ثبت کند.

بازدهی بیش از ۸ درصدی بورس درحالی رقم خورد که بورس در یک سال اخیر توانسته بود در مقیاس هفتگی موفق به کسب رشد ۸ درصدی شود. بازار سرمایه به غیر از روز چهارشنبه در مابقی روزها، صعودی بود و در ۳ روز دو کانال مهم را به دست آورد.

هفته گذشته بازارهای دارایی ایران شاهد تحولات قابل‌توجهی بودند. بورس تهران پس از دوره‌ای رکود، بهترین عملکرد هفتگی خود در ۱۰۷ هفته اخیر را ثبت و از مرز ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار واحد عبور کرد. در همین حال دلار تحت تأثیر تحولات سیاسی و احتمال فعال‌سازی مکانیسم ماشه به قله‌های تاریخی جدیدی رسید. بازار طلا و سکه نیز با رشد نرخ ارز و افزایش بهای اونس جهانی صعودی شد. بازار نفت اما تحت فشار نگرانی‌ها از افزایش تولید اوپک‌پلاس و داده‌های ذخایر آمریکا، نوساناتی را تجربه کرد.

بورس تهران در سه روز ابتدای هفته گذشته با رشد روزانه بیش از ۲ درصد، عملکردی کم‌سابقه را ثبت کرد؛ مشابه این رشد پیاپی آخرین بار در اسفند ۱۴۰۱ رخ داده بود. شاخص کل که پیش‌تر در هشتم مرداد از کانال ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار واحدی عقب‌نشینی کرده بود، روز دوشنبه پس از ۲ ماه دوباره این سطح را بازپس گرفت. روز سه‌شنبه افزایش عرضه‌ها، ارزش معاملات خرد را به ۱۴ هزار میلیارد تومان رساند، رکوردی که از ۱۱ تیر تکرار نشده بود. در مقابل، ارزش معاملات ۲۵ صندوق طلاي بازار از ۱۰ هزار میلیارد تومان فراتر رفت و به ۱۳ هزار میلیارد تومان رسید. روز چهارشنبه نیز ارزش معاملات خرد در کانال ۱۳ هزار میلیارد تومان ماند هرچند برخی سرمایه‌گذاران پس از چهار روز رشد، اقدام به شناسایی سود کردند. نتیجه این هفته، رشد ۸.۰۹ درصدی شاخص کل بود که بهترین عملکرد هفتگی بورس در سال جاری و از ۸ شهریور ۱۴۰۲ محسوب می‌شود. شاخص کل از ابتدای سال با رشد تا ۳ میلیون و ۲۵۲ هزار واحد در اواخر اردیبهشت، بازدهی ۲۰ درصدی داشت اما جنگ ۱۲ روزه و فشار فروش، آن را تا ۲ میلیون و ۳۹۵ هزار واحد در هشتم شهریور پایین کشید. پس از آن موج صعودی کوتا مدت شاخص را به دو میلیون و ۶۷۷ هزار واحد (۲۴ شهریور) رساند اما دوباره با افت مواجه شد. از ابتدای هفته گذشته، موج دوم رشد آغاز شد و شاخص با ثبت قله‌ای بالاتر از ۲۴ شهریور وارد کانال ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار واحدی شد.

برای تداوم این رشد، ثبات متغیرهای کلان اقتصادی ضروری است زیرا نوسانات شدید به بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران منجر می‌شود. شفافیت اطلاعاتی و بهبود نظام افشای شرکت‌های بورسی، اعتماد سهامداران را تقویت می‌کند. توسعه ابزارهای مالی مانند صندوق‌های بخشی، اهرمی و اوراق مشتقه، فرصت‌های سرمایه‌گذاری متنوعی فراهم می‌آورد. حمایت از سرمایه‌گذاری غیرمستقیم از طریق صندوق‌ها و سیدگردان‌ها، رفتارهای هیجانی را کاهش می‌دهد. همچنین نظارت دقیق و مقابله با دستکاری قیمتی و رانت اطلاعاتی، کارایی بازار را بهبود می‌بخشد. در نهایت، آموزش مالی و ترویج سرمایه‌گذاری بلندمدت، رشد پایدار بورس را تضمین خواهد کرد. دلار این هفته هم به دنبال افزایش ریسک‌های سیاسی و اقتصادی به رکوردشکنی‌های خود ادامه داد. شنبه هر برگ دلار با بیش از ۴ درصد افزایش قیمت به ۱۱۲ هزار و ۹۰۰ تومن رسید. این افزایش قیمت، به جز یک روز، تا انتهای هفته ادامه داشت تا در نهایت ارزش اسکناس آمریکایی به ۱۱۸ هزار تومان برسد. این هفته سکه نیز در مسیر صعودی حرکت کرد. هر قطعه سکه امامی در آخرین روز معاملاتی هفته به ۱۱۵ میلیون تومان رسید. طلا ۱۸ عیار نیز هم‌سیر با سایر بازارهای دارایی به صعود خود ادامه داد و برای نخستین بار از مرز ۱۰ میلیون تومان هم گذشت.

سیدعلی مدنی‌زاده از این غیبت به شدت دلخور شده بود. او معتقد بود که حضور معاون حقوقی و امور مجلس بانک مرکزی در چنین جلسه‌ای نه تنها یک وظیفه حرفه‌ای بلکه نشانه‌ای از هماهنگی و انسجام در تیم اقتصادی دولت بود. مدنی‌زاده این موضوع را در چندین محفل غیررسمی مطرح کرد و حتی در برخی جلسات به طور تلویحی به این نکته اشاره داشت که چنین غیبت‌هایی می‌تواند، نشانه‌ای از ضعف در مدیریت یا عدم اولویت‌بندی صحیح در بانک مرکزی باشد. از سوی دیگر محمدرضا فرزین این انتقادات را چندان جدی نگرفت.

او در پاسخ به پرس‌وجوهای برخی از اعضای دولت گفته بود که سجاد افشار به «دلایل شخصی» توانسته در جلسه حضور یابد و این موضوع نباید به حاشیه‌ای بزرگ تبدیل شود. اما این توضیح برآی مدنی‌زاده کافی نبود. او این غیبت را پیامی صریح از سوی محمدرضا فرزین می‌دانست و معتقد بود که این غیبت به دلیل مخالفت رئیس‌کل بانک مرکزی با او بوده است. این اختلاف نظر به مرور زمان به بحث‌هایی عمیق‌تر کشیده شد.

در ظاهر، بسیاری معتقد بودند که اختلاف این دو ریشه در سیاست‌های ارزی دارد؛ جایی که فرزین با رویکردی محافظه‌کارانه‌تر به دنبال تثبیت نرخ ارز بود و مدنی‌زاده با دیدگاه‌های رادیکال‌تر بر لزوم اصلاحات ساختاری در بازار ارز تأکید داشت. اما منابع آگاه می‌گفتند که دلیل اصلی این کشمکش، نه ارز بلکه اختلاف عمیق بر سر انتخاب مدیران عامل چند بانک کلیدی است.

در این میان، وزیر جوان که در پی تغییر معاونان و مدیران ارشد وزارت‌خانه بود با مخالفت صریح رئیس‌جمهوری ناکام ماند. استدلال پزشک‌یان این بود که معاونان وزارت اقتصاد و مدیران نظام بانکی با مشورت مستقیم او انتخاب شده‌اند و دلیلی ندارد که با تغییر وزیر، آنها هم تغییر کنند. این اتفاق برای مدنی‌زاده شکست به حساب آمد و این را به حساب رئیس‌کل بانک مرکزی گذاشت که پشت مدیران نظام بانکی درآمده بود. سیدعلی مدنی‌زاده که اجازه پیدا نکرد حتی معاونان خود را تغییر دهد برای تغییر مدیران نظام بانکی خیز برداشت اما با موانع زیادی مواجه شد که شاید مهم‌ترین‌شان، مخالفت رئیس‌کل بانک مرکزی بود. ماجرا از چند ماه پیش آغاز شد، زمانی که وزیر جوان تصمیم گرفت، مدیران عامل دو بانک بزرگ دولتی را تغییر دهد. فرزین که معتقد بود، زمان خوبی برای تغییر مدیران نظام بانکی نیست به مدنی‌زاده توصیه کرد



ادامه تیترویک

دعوی قلمرو

متمرکز است. مدنی‌زاده با تأکید بر لزوم حرکت به سمت نرخ واحد شناور مدیریت شده، معتقد است این سیاست رانت‌های ارزی را حذف می‌کند، صف‌های توزیع ارز را پایان می‌دهد و ثبات اقتصادی را بدون جهش‌های ناگهانی تضمین می‌نماید؛ او اخیراً اعلام کرده که پاسخگوی سیاست‌های ارزی بانک مرکزی نیست زیرا این امور انحصاراً در اختیار بانک مرکزی است اما هم‌زمان بر آزادسازی تدریجی نرخ ارز اصرار دارد تا از قاچاق، تلبار کالا در گمرک و فساد جلوگیری شود. در مقابل فرزین با حفظ نرخ ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی برای کالاهای اساسی، مخالف حذف فوری یا تکرخی‌سازی است و هشدار می‌دهد که چنین اقدامی، تورم شدیدی را اقلام ضروری ایجاد کرده و قیمت‌ها را غیرقابل کنترل می‌کند؛ او سیاست‌های تثبیتی خود را برای جلوگیری از جهش‌های ارزی ضروری می‌داند و حتی بازار امتیاز صادراتی را برای حمایت از صادرکنندگان پیشنهاد داده، هرچند مدنی‌زاده آن را فسادزا خوانده است. این تقابل نه تنها بلا تکلیفی بازار را تشدید کرده بلکه به بحث‌های گسترده در

مجلس و رسانه‌ها دامن زده و گمانه‌زنی‌هایی درباره برکناری فرزین یا نیاز به هماهنگی بالاتر در تیم اقتصادی دولت را برانگیخته، در حالی که نرخ دلار از ۱۱۰ هزار تومان عبور کرده و تورم همچنان بر مردم فشار می‌آورد.

محمدرضا فرزین از ابتدا تا به امروز مدیری بوده که روایت‌هایش در میانه اختلاف نظر‌ها، توانسته مورد توجه مدیران ارشدش قرار بگیرد. فرزین به سیدعلی مدنی‌زاده هشدار داده که هرگونه اظهار نظر درباره سیاست‌های ارزی منحصراً در اختیار اوست. به عقیده رئیس‌کل بانک مرکزی، نهاد بانک مرکزی باید هم به قانون‌گذار در مجلس، هم به طیف حاکمیت به عنوان نهاد بالادست و هم در دولت پاسخگو باشد بنابراین بازار ارز را باید مدیریت کند. او تأکید کرده که وزیر اقتصاد حق ندارد به این مساله ورود کند چراکه عوامل بی‌شمار و متنوعی در تعیین نرخ ارز در اقتصاد ایران اثرگذار بوده و این درحالی است که تمامی اطلاعات این عوامل در فضای نااطمینانی در اختیار بانک مرکزی نیست. هر عامل یا ریسکی می‌تواند، روی نرخ ارز اثرگذار باشد. کسی نمی‌داند؛ شاید این بار روایت سیدعلی مدنی‌زاده بگیرد و محمدرضا فرزین شکست را بپذیرد. شاید هم مدنی‌زاده سومین وزیر اقتصادی باشد که فرزین می‌ج‌اش را می‌خوایاند.

که ریسک نکند و اجازه دهد، مدیران فعلی به کار خود ادامه دهند. از نظر او مدیران نظام بانکی، تجربه کافی برای حفظ آرامش در نظام بانکی را داشتند. اما مدنی‌زاده معتقد بود این انتخاب‌ها، محافظه‌کارانه و ناکارآمد هستند. او نام چند مدیر جوان و تحصیل‌کرده را مطرح کرده بود که به زعم او می‌توانستند با نگاهی نوآورانه، تحولی در نظام بانکی ایجاد کنند. این اختلاف نظر به جلسات پرتنش در پشت درهای بسته منجر شد. یکی از نزدیکان دولت می‌گفت: «در یکی از جلسات، مدنی‌زاده با جدیت گفت که انتخاب‌های فرزین فقط به درد حفظ وضع موجود می‌خورد نه اصلاح آن. فرزین هم پاسخ داد که تجربه را نمی‌توان با ایده‌های خام جایگزین کرد.» این اختلاف حالا به صحنه‌ای عمومی‌تر کشیده شده بود.

مدتی بعد، اختلافات به سیاست‌ها کشیده شد و مدنی‌زاده به صراحت علیه سیاست‌های محمدرضا فرزین موضع گرفت. نوع نگاه رئیس‌کل بانک‌مرکزی به سیاست‌های ارزی و نحوه سیاست‌گذاری درباره تورم مورد پسند وزیر جوان نبود اما روایت‌هایش در دولت مورد توجه قرار نگرفت و ناکام ماند. اکنون اختلاف میان این دو ریشه در رویکردهای متضادشان به سیاست‌های ارزی ایران دارد که عمدتاً بر سر تک‌نرخ‌سازی ارز و مدیریت نرخ‌های ترجیحی و چندنرخ‌

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴/۰۵/۰۸ مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۰۹/۰۱۰۰۷۳۸۳ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین تصرفات مالکانه بلامعارض آقای ابوالفضل احمدی به شناسنامه شماره ۴۳۱۰۸۲۷۹۵۰ کدملی ۴۳۱۰۸۲۷۹۵۰ فرزند مختار در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۸۲۰۴ متر مربع از اراضی روستای آشنستان در پلاک ۳۵ اصلی واقع در قزوین بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین (مبایعه نامه عادی خریداری با واسطه از نسق زراعی آقای قربان احمدی) محرز گردیده است .

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه آگهی: ۲۰۱۴۵۶۹

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۷/۱۲

تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۷/۲۸

شعبان‌عسکری
رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آرای صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی الموت غربی تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است . لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ۲ ماه اعتراض خود را کتبا به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم و گواهی آن را به این واحد ثبتی تحویل نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد

۱ . آقای حسن مرادی فرزند دادعلی به شماره شناسنامه ۸۵۰ برابر رای شماره ۱۴۰۴/۰۳/۰۹/۰۱۰۰۱۰۳۸ نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین به مساحت ۲۷۱۱/۲۰ متر مربع از پلاک ۵۱ اصلی بخش ۱۷قزوین (خریداری از محمدرضا زارعی فرزند عیسی) الموت غربی روستای شهرستان سلی .

شناسه آگهی: ۲۰۱۲۲۷۲

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۷/۱۲

تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۷/۲۷

شریف‌مراقی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک الموت غربی

امان از فرسودگی

یک کشته و دو مصدوم در انفجار مرگبار آزمایشگاه دانشگاه تهران

فانزه مومنی

گروه اجتماعی



روز پنج‌شنبه دهم مهر، سکوت پردیس فنی دانشگاه تهران با صدای انفجاری مهیب درهم شکست. این حادثه که در آزمایشگاه دانشکده مهندسی مواد و متالورژی رخ داد به مرگ یک دانشجوی کارشناسی ارشد و مصدومیت دو دانشجوی دیگر انجامید. طبق اطلاعیه‌های رسمی، هنگام تعویض سیلندر گاز هیدروژن، سیلندر منفجر شده و بخشی از ساختمان دو طبقه‌ای که کاربری آموزشی داشت را تخریب کرده است.

چه گذشت؟

ساعت حدود ۱۴:۱۰ تا ۱۴:۳۰ روز پنج‌شنبه ۱۰ مهر ۱۴۰۴ انفجاری در یک ساختمان آموزشی دو طبقه واقع در خیابان کارگر شمالی (امیرآباد) رخ داد که صدای آن تا محوطه دانشگاه نیز شنیده شد.

این ساختمان دارای آزمایشگاهی به وسعت حدود ۵۰ متر مربع در طبقه همکف بود. به گفته معاون مرکز حوزه ریاست و روابط عمومی دانشگاه تهران هنگام تعویض یک کیسول گاز هیدروژن، سیلندر منفجر شد و خسارت شدیدی به شیشه‌ها، درها و بخشی از دیوارهای آزمایشگاه وارد کرد.

در گزارش دانشگاه آمده است که نیروهای آتش‌نشانی در فاصله ۵ دقیقه پس از اعلام حادثه در محل حاضر شدند. جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران، اعلام کرد که چهار ایستگاه آتش‌نشانی به محل اعزام شده‌اند و این انفجار به آتش‌سوزی بزرگ و طولانی تبدیل نشد؛ تنها انفجار اولیه سبب تخریب و آسیب شد. او همچنین توضیح داد که ساختمان دو طبقه بوده و انفجار در طبقه همکف که آزمایشگاه در آن قرار داشت، رخ داده است.

بر اساس گزارش‌ها، یک مرد جوان در لحظات نخست جان خود را از دست داد. این فرد بعداً «محمدامین کلاته»، دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مهندسی مواد با گرایش شناسایی و انتخاب مواد مهندسی معرفی شد.

دو دانشجوی دیگر- یک زن و یک مرد- دچار مصدومیت شدید شده‌اند. محمدرضا تقی‌دخت، معاون مرکز حوزه ریاست و روابط عمومی دانشگاه تهران، اعلام کرد که مصدومیت آنها جدی نیست و پس از انتقال به بیمارستان

تحت درمان قرار گرفته‌اند. همچنین تعدادی افراد دیگر به علت ریزش شیشه‌ها و قطعات بتن به طور سطحی مصدوم شدند.

هویت جان‌باخته و واکنش‌ها پس از حادثه: رسانه‌ها نام دانشجوی جان‌باخته را منتشر کردند. او اهل سبزوار بود و به عنوان دستیار آموزشی در دانشگاه فعالیت می‌کرد. دانشگاه تهران در بیانیه‌ای رسمی ضمن تسلیت به خانواده این دانشجو، اعلام کرد که حال عمومی دو مصدوم حادثه خوب است و اقدامات درمانی لازم انجام شده است. جامعه دانشگاهی، شخصیت‌های سیاسی و مسئولان دانشگاه با پیام‌های جداگانه‌ای این ضایعه را تسلیت گفتند. محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور، در تماس تلفنی با رئیس دانشگاه تهران خواستار رسیدگی فوری به وضعیت مصدومان شد.

واکنش سازمان‌های امدادی و اورژانس به دنبال وقوع انفجار: تیم‌های اورژانس بلافاصله به محل اعزام شدند. موسوی، مسئول تیم عملیاتی اورژانس تهران، گفت که اولین آمبولانس و اولین موتورلانس در کوتاه‌ترین زمان ممکن در محل حاضر شدند سپس ۵ دستگاه آمبولانس، یک دستگاه اتوبوس اورژانس و سه موتور امداد به محل اعزام شد تا خدمات درمانی را ارائه کنند. این اقدامات باعث شد که مصدومان در اسرع وقت به مراکز درمانی منتقل شوند و از تلفات بیشتر جلوگیری شود.

از سوی دیگر، آتش‌نشانی پس از مهار اولیه انفجار، اقدام به ایمن‌سازی محل کرد. جلال ملکی گزارش داد که انفجار موجب آوار شدن کلی ساختمان نشده است و تیم‌های آتش‌نشانی پس از اطمینان از عدم وجود خطرات بعدی، محل را به کارشناسان تحویل دادند. او تأکید کرد که عملیات ایمن‌سازی ادامه دارد.

دلایل احتمالی انفجار در اطلاعیه رسمی دانشگاه و اظهارات مسئولان آتش‌نشانی: علت اصلی انفجار «تعویض سیلندر گاز هیدروژن» اعلام شده است. به گفته محمدرضا تقی‌دخت، یکی از کیسول‌های گاز هیدروژن در زمان تعویض منفجر شد و این انفجار منجر به مرگ یک دانشجو و مصدومیت دو تن دیگر شد. او همچنین توضیح داد که مسئولان آزمایشگاه در زمان حادثه در محل حضور داشتند و در حال بررسی چربی و قوع حادثه هستند.

یکی از نکات مورد ابهام این است که آیا تعویض سیلندر توسط دانشجویان انجام شده یا توسط مسئولان آزمایشگاه.



اجتماعی از تجربه‌های خود درباره نبود تجهیزات ایمنی مناسب، فرسودگی دستگاه‌ها و کمبود آموزش‌های عملی سخن گفته‌اند. برخی دانشجویان به کمبود بودجه و نگره‌داری ضعیف تجهیزات اشاره کرده‌اند و خواستار بازنگری جدی در نظام ایمنی دانشگاه‌ها شده‌اند.

با توجه به اینکه دانشگاه تهران و دیگر دانشگاه‌های دولتی طی سال‌های گذشته با کاهش بودجه پژوهشی مواجه شده‌اند چنین حوادثی می‌تواند، پیامد مستقیم این کمبودها باشد. تأمین و به‌روزرسانی تجهیزات ایمنی، نوسازی ساختمان‌های قدیمی و آموزش کارکنان و دانشجویان به منابع مالی و مدیریتی نیاز دارد که در شرایط اقتصادی کنونی کشور ممکن است، نادیده گرفته شود.

حادثه آزمایشگاه دانشگاه تهران نه فقط یک خبر تلخ بلکه هشدار برای همه واحدهای علمی کشور است. دانشجویان و پژوهشگران، سرمایه‌های ارزشمند جامعه هستند و باید در محیطی امن به فعالیت علمی بپردازند. از این‌رو مسئولان دانشگاهی، نهادهای نظارتی و دولت وظیفه دارند با تخصیص بودجه مناسب، تدوین استانداردهای سخت‌گیرانه و افزایش فرهنگ ایمنی از تکرار چنین حوادثی جلوگیری کنند. امید است که خون دانشجوی جان‌باخته و رنج مصدومان این حادثه به ارتقای ایمنی در دانشگاه‌ها و محیط‌های پژوهشی منجر شود.

حادثه

۴ کشته و دست‌کم ۲۰ زخمی

سقوط اتوبوس
به دره‌ای در محور دماوند - فیروزکوه

ساعت ۷:۴۵ دقیقه دیروز صبح، یک دستگاه اتوبوس مسافری در حوالی مجتمع «اسپینلد» از مسیر اصلی منحرف شد و پس از واژگونی به دره سقوط کرد. صدای مهیب حادثه، رهگذران و اهالی منطقه را وحشت‌زده کرد و بلافاصله تماس‌های متعددی با مرکز فوریت‌های پزشکی ۱۱۵ استان تهران برقرار شد.

به دنبال اعلام حادثه، نیروهای امدادی اورژانس در کوتاه‌ترین زمان خود را به محل رساندند. به گفته روابط عمومی اورژانس استان تهران برای امدادرسانی به مجروحان یک فروند بالگرد اورژانس، پنج دستگاه آمبولانس، یک دستگاه اتوبوس آمبولانس و دو خودروی فرماندهی به منطقه اعزام شد. بر اساس گزارش اولیه، دست‌کم چهار نفر از سرنشینان در همان صحنه جان باختند و بیش از ۲۰ تن دیگر مصدوم شدند. شدت سقوط به گونه‌ای بود که تعدادی از مسافران در داخل اتوبوس محبوس شدند و نیروهای امداد با تجهیزات ویژه مجبور به عملیات نجات شدند. مصدومان این حادثه به بیمارستان‌های اطراف منتقل شده‌اند و حال برخی از آنها وخیم گزارش شده است.

شاهدان عینی گفته‌اند که اتوبوس پس از ورود به پیچ خطرناک جاده، کنترل خود را از دست داد و به دره سقوط کرد. هنوز علت اصلی حادثه مشخص نیست اما کارشناسان پلیس راهور اعلام کرده‌اند، بررسی دقیق صحنه برای روشن شدن جزئیات ادامه دارد.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت

ثبتي اراضي و ساختمانهای فاقد سند رسمي

به شش‌دانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۱- اصلی (واقع در مزرعه سی هکتاری) به مساحت ۱۵۱۶/۳۱ متر مربع واقع در بخش ۱۹ اراضی لم‌راسک و تیرتاش مستند مالکیت گزارش کارشناسان و استشهاده ارائه شده و گواهی عدم دسترسی به مالک اولیه محرز گردیده است. ۲۹- برابر رأی شماره ۱۴۰۳۰۳۱۰۰۲۰۰۰۵۵۳ مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۳۰ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی پرونده کلاسه ۱۴۰۳/۲۸۳۹ بنام آقای علی اصغر ابراهیمی تیرتاشی فرزند حسینعلی نسبت به شش‌دانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۱- اصلی (واقع در مزرعه زیر آب بندان) به مساحت ۳۳۱۶/۵۲ متر مربع واقع در بخش ۱۹ اراضی لم‌راسک و تیرتاش مستند مالکیت مبیاعه نامه مورخ ۱۳۸۶/۰۷/۲۵ و ۱۳۹۷/۰۹/۲۴ و گزارش کارشناسان و استشهاده ارائه شده و گواهی عدم دسترسی به مالک اولیه محرز گردیده است. ۲۴- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۰۳۱۰۰۲۰۰۰۵۳۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۰ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی پرونده کلاسه ۱۴۰۳/۰۳۲۹ بنام آقای علی اسدی تیرتاشی فرزند محمد نسبت به شش‌دانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۱- اصلی (واقع در مزرعه سی هکتاری) به مساحت ۱۵۱۸ متر مربع واقع در بخش ۱۹ اراضی لم‌راسک و تیرتاش مستند مالکیت صورتجلسه واگذاری زمین ۱۳۸۴/۰۷/۱۲ و گزارش کارشناسان و استشهاده ارائه شده و گواهی عدم دسترسی به مالک اولیه محرز گردیده است. ۲۵- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۰۳۱۰۰۲۰۰۰۵۷۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۳۰ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی پرونده کلاسه ۱۴۰۳/۱۹۳۹ بنام خانم فاطمه زهرا یوسفی فرزند حسین نسبت به شش‌دانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۱- اصلی (واقع در مزرعه سی هکتاری) به مساحت ۱۵۱۲/۵۰ متر مربع واقع در بخش ۱۹ اراضی لم‌راسک و تیرتاش مستند مالکیت گزارش کارشناسان و استشهاده ارائه شده و گواهی عدم دسترسی به مالک اولیه محرز گردیده است. ۲۶- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۰۳۱۰۰۲۰۰۰۵۶۷ مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۳۰ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی پرونده کلاسه ۱۴۰۳/۰۵۳۹ بنام آقای روح اله ابراهیم پور فرزند محمد نسبت به شش‌دانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۱- اصلی (واقع در مزرعه سی هکتاری) به مساحت ۱۴۴۵ متر مربع واقع در بخش ۱۹ اراضی لم‌راسک و تیرتاش مستند مالکیت گزارش کارشناسان و استشهاده ارائه شده و گواهی عدم دسترسی به مالک اولیه محرز گردیده است. ۲۷- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۰۳۱۰۰۲۰۰۰۵۵۵ مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۳۰ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی پرونده کلاسه ۱۴۰۳/۵۳۳۹ بنام آقای اکبر خلیلی تیرتاشی فرزند حبیب نسبت به شش‌دانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۱- اصلی (واقع در مزرعه سی هکتاری) به مساحت ۱۴۶۴/۷۸ متر مربع واقع در بخش ۱۹ اراضی لم‌راسک و تیرتاش مستند مالکیت گزارش کارشناسان و استشهاده ارائه شده و گواهی عدم دسترسی به مالک اولیه محرز گردیده است. ۲۸- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۰۳۱۰۰۲۰۰۰۵۵۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۳۰ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی پرونده کلاسه ۱۴۰۳/۵۶۳۹ بنام خانم رقیه اسدی فرزند صفر نسبت

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۱۲
جعفر رسولی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گلوگاه
شناسه آگهی ۲۰۰۴۶۹۷

